

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال هجدهم، شماره دهم، دی ۱۳۹۷، ۲۹۱-۳۲۴

بررسی و نقد کتاب پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی: جستارهایی در تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران

شهرام یوسفی‌فر*

احمد ابوحمزه**، بهرنگ ذوالفقاری***

امیر صمدیان آهنگر****، زهرا قشقای نژاد****، سعید نجار*****

چکیده

این نوشتار به نقد و بررسی کتاب *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی*: جستارهایی در تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران، تألیف مهدی کیوانی، اختصاص دارد؛ اثری که در زمان تألیف نخستین کتاب مستقل با این موضوع محسوب می‌شد. مؤلف به تأثیر از آرای متفکران قرن نوزدهم میلادی اروپای غربی به بررسی تخصصی بخش‌هایی از تحولات اجتماعی این عصر پرداخته و سعی در اثبات این نظریه دارد که حکومت صفوی مانع شکل‌گیری اصناف قدرت‌مند مستقل و در نتیجه پویایی اقتصادی این دوران بود. نوشتار

* استاد تاریخ و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، shyousefifar@yahoo.com
** عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)، a.abohamzeh@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
Behrang_zf@yahoo.com

**** دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
amirsamadian35@gmail.com

***** دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
zahra.qashqaienejad@gmail.com

***** دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
najjar@tpnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۳

در شش بخش و ۳۱ زیربخش سامان‌دهی شده است. بعد از بخش نخست، که معرفی کلی اثر را شامل می‌شود، بخش بررسی و تحلیل ابعاد شکلی اثر و بعد از آن معرفی نویسنده و مترجم قرار دارد. مهم‌ترین بخش‌های این بررسی پیشینه پژوهش درباره اصناف در ایران و خارج از ایران و تحلیل و بررسی محتوایی اثر است که بخش اخیر در دو قسمت نقد درون‌ساختاری و برون‌ساختاری ارائه شده است.

این نقد نخستین خروجی «طرح نقد و بررسی آثار حوزه پژوهش‌های تاریخ اجتماعی»^۱ است که براساس چهارچوب شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بازآرایی شده است.

کلیدواژه‌ها: اصناف، پیشه‌وران، تاریخ اجتماعی، صفویه، کیوانی.

۱. معرفی کلی اثر

عنوان: *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی: جستارهایی در تاریخ اجتماعی اقتصادی ایران*، نویسنده: مهدی کیوانی، مترجم: یزدان فرخی، ناشر: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۲، چاپ اول.

۱,۱ محتوا

کتاب دارای هشت بخش، سه ضمیمه، و یک مقدمه مترجم است. هر بخش از تعدادی فصل تشکیل شده و اثر در مجموع هجده فصل دارد.

در مقدمه مترجم، که بلافاصله بعد از فهرست قرار گرفته، ضمن رعایت ایجاز، کتاب، و جایگاه آن در زمان نشر به هم‌راه معرفی مهم‌ترین نقدهایی که بر این کتاب به زبان انگلیسی نگاشته شده، دیده می‌شود. به اختصار عنوان هر بخش و فصول آن چنین است:

بخش اول: «بررسی منابع پژوهش و زمینه تاریخی»، شامل دو فصل «ارزیابی و سنجش منابع اصناف عهد صفوی» و «پیشینه تاریخی اصناف».

بخش دوم: «توصیف و شمار اصناف»، با دو فصل «تشریح و طبقه‌بندی اصناف» و «شمار اصناف». در فصل اخیر، کیوانی دسته‌بندی سه‌گانه‌ای از اصناف براساس اهمیت آن‌ها ارائه داده و اشاره‌هایی پراکنده درباره نظارت بر هر یک از انواع اصناف را طرح می‌کند که از مطالب مهم این کتاب محسوب می‌شود، به‌ویژه نکاتی که درباره اصناف دون‌پایه و پرهیز از واریز درآمدهای آنان به خزانه اصلی ارائه می‌کند (کیوانی ۱۳۹۲: ۶۳-۶۵).

بخش سوم: «ساختار اصناف»، با دو فصل «اداره حکومتی اصناف» که با وجود حجم کم به‌نوعی از مهم‌ترین فصل‌های کتاب است، زیرا کیوانی ضمن طرح ایده اصلی خود مبنی بر

این که «حکومت مرکزی صفوی در پی به دست آوردن اقتدار و مرکزیت بخشیدن به قدرت خود، فرصت توسعه مؤثر هرگونه نهادهای محلی خودجوش و [...] را به جامعه نمی‌داد» (همان: ۷۳) به تشریح مختصر مناصب مؤثر و مرتبط با نظام اصناف و پیشه‌وران پرداخته است. فصل بعدی «تشکیلات درونی اصناف» دربارهٔ مناصب و جایگاه‌هایی چون «باشی»، «کدخدا»، «استادی و شاگردی» است.

بخش چهارم: «روش‌های نظارت حکومتی»، طولانی‌ترین بخش کتاب با ۳۶ صفحه و چهار فصل است. فصل اول «اصناف و مالیات» بیش‌تر به چگونگی اخذ مالیات از اصناف اختصاص دارد. فصل دوم «نظارت قیمت» با ارائهٔ جداولی مختصر، از قیمت برخی کالاها و تغییراتی که در دهه‌های پی‌درپی داشتند، می‌گوید (همان: ۱۲۳). فصل سوم «محدودیت‌ها و انحصارها» به برخی موانع بر سر راه فعالیت‌های اصناف در عهد صفوی و بعد از آن اشاره می‌کند و فصل چهارم «تشکیلات قضایی و تنبیهی»، به موضوع محاکمه‌های مرتبط با تخلفات اصناف و پیشه‌وران اختصاص دارد. در این بخش، کیوانی مهارت خود را در بهره‌گیری از داده‌های باستان‌شناختی و معماری به‌مثابهٔ شواهدی برای موضوعات موردنظرش نشان می‌دهد (همان: ۱۳۶).

بخش پنجم: «فعالیت اجتماعی و اقتصادی»، به‌نوعی نمایان‌گر رویکردهای خاص مؤلف است؛ موضوع «تاریخ اجتماعی»، که تا زمان تدوین کتاب جزو موارد بدیع و نوآورانه در مطالعات تاریخی مربوط به ایران به‌وسیلهٔ محققان ایرانی محسوب می‌شد. فصل اول «کارکردهای اجتماعی اصناف» به این موضوع در پیش و پس از عهد صفوی پرداخته است و بخشی از مطالب آن تاحدی با داده‌های قبلی نوشتار هم‌پوشانی دارد و ساحتی که به‌وسیلهٔ کیوانی برای این نوع تعاملات تعریف شده، به‌دلیل اندک‌بودن منابع و اسناد، بسیار محدود و فقط در حد اشاره به فعالیت‌هایی چون تعامل اصناف و دین اسلام و هم‌راهی‌های درون‌صنفی برای رفع برخی مشکلات داخلی باقی مانده است. در همین فصل، مؤلف گزاره‌ای جالب طرح می‌کند که در جای خود به بررسی و مذاقه نیاز دارد: «شاید بتوان گفت هیچ شاهدی دربارهٔ پیوند میان اصناف یک کسب یا حرفه در شهری با شهری دیگر در دست نیست» (همان: ۱۴۵). در بخشی از فصل دوم «فعالیت‌های سیاسی اصناف»، مؤلف به توضیح ارتباط اصناف با نهاد روحانیت و ارتباط دین اسلام و مذهب تشیع با اصناف می‌پردازد. در این فصل، برخلاف دیگر فصول، بیش‌تر ارتباط اصناف با حکومت و تحولات سیاسی در «دوران نخست حکومت صفویه»، یعنی تا به قدرت‌رسیدن شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) توجه شده است.

بخش ششم: «اصناف ویژه»، در دو فصل «اصناف شاهی» و «پیشه‌وران نامسلمان»، جایگاه پیشه‌وران خاص و متفاوت از پیشه‌وران معمولی را در تعاملات سیاسی و نظام اقتصادی عصر صفوی واکاوی شده است. به‌ویژه در فصل دوم به برخی فعالیت‌های پیشه‌وران یهودی، ارمنی، و معدود پیشه‌وران اروپایی اشاره می‌شود (همان: ۱۷۳-۱۷۹).

بخش هفتم: با عنوان «کارکردهای فرهنگی و مذهبی»، سه فصل کوتاه دارد که عبارت‌اند از «مراسم عمومی»، به شرکت و نقش اصناف در مراسم عمومی شهرها می‌پردازد، فصل دوم «جنبه‌های فرهنگی و مذهبی» که از کوتاه‌ترین فصل‌های کتاب است و به موضوع تجلی مشاغل و پیشه‌وران در ادبیات فارسی و به‌ویژه شهر آشوب‌ها می‌پردازد و فصل سوم «اصناف و فرقه‌های دراویش» که به تشریح دوباره فرضیه «ماسینیون»، مبنی بر ارتباط پیشه‌وران و اصناف با طریقت‌هایی چون فتیان، متصوفه، عیاران با نمونه‌هایی از فعالیت‌های پیشه‌وران قبل از صفویه، اختصاص دارد.

بخش هشتم: «روابط تجار و اصناف» فقط یک فصل دارد؛ «موانع رشد اقتصادی در ایران عهد صفوی» که از اصلی‌ترین فصول کتاب است. موضوع محوری آن نگاهی اجمالی و کلان به وضعیت تجاری - بازرگانی ایران در عصر صفوی و دلایل شکل‌نگرفتن نظام سرمایه‌داری در این دوره است. سیاست‌های شاه‌عباس اول و جانشینان او برای تجارت خارجی ایران و بررسی نقش تاجران ارمنی و هندی در تجارت خارجی ایران از عمده‌ترین مباحث این فصل است. در انتها نیز، دلایل هشت‌گانه‌ای برای رشد نکردن و تشکیل بورژوازی تجاری در ایران به دلیل «دخالت‌های دولت» ارائه شده است. با بخش «نتیجه‌گیری» در هفت صفحه، قسمت‌های اصلی کتاب به پایان می‌رسد.

ضمایم سه‌گانه اثر چنین است: «گزیده‌هایی از اشعار شهر آشوب دیوان رضوان»، که شامل توصیف ۱۰۲ شغل یا پیشه گوناگون است و مؤلف با دقتی شایان توجه در متن انگلیسی آن‌ها را با حروف انگلیسی آوانویسی کرده و در انتهای کار قرار داده است.^۲ ضمیمه دوم «توصیف فعالیت یک نوع از عمل‌جات اصفهان عصر صفوی در مراسم عید قربان» به‌نقل از کتاب *جغرافیای اصفهان*، تألیف میرزا حسین تحویلدار است (همان: ۲۸۳-۲۸۵). ضمیمه سوم «واژه‌نامه پیشه‌وری» در دو صفحه، شامل معادل‌های انگلیسی برای اسامی پیشه‌ها و حرف در این اثر است که مترجم براساس ترجمه‌هایی که مؤلف در متن انگلیسی به‌دست داده، آن را فراهم آورده است. کتاب‌شناسی دوازده صفحه‌ای و نمایه پایان‌بخش این کتاب است.

۲. تحلیل ابعاد شکلی اثر

۱,۲ امتیازات

۱,۱,۲ ساختار

در نگاه کلی، ساختاری که مؤلف برای چینش و ارائه مطالب خود برگزیده ساختاری مناسب است. رویکرد اصلی کیوانی، برخلاف عنوان اثر، بررسی رابطه پیشه‌وران و اصناف با ساختار حکومت است، هرچند که مؤلف با تأکید از این نگاه و هدف پژوهش سخن نمی‌گوید، اما مطالب و میزان تکراری که در اطلاعات مربوط به این موضوع در اثر دیده می‌شود، بیان‌گر این رویکرد است و ساختار کتاب با این رویکرد هم‌خوانی دارد. کتاب مشکلات رایج در تبدیل پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی به کتاب را ندارد و هم‌چنین، مشکلات مرسوم دهه‌های اخیر، از مشکلات ساختاری و قالبی گرفته تا مشکلات محتوایی، در آن دیده نمی‌شود.

۲,۱,۲ ترجمه

ترجمه اثر، براساس معیارهای علمی، مناسب و شایسته است. از منظر ادبی و ویرایشی نیز تا حد امکان مترجم اصول و قواعد را رعایت کرده است. در عین تلاش برای حفظ ساختار جملات مؤلف و ساختار اثر، به انتقال درست معانی و مفاهیم نیز توجه کرده و در انتقال ساده و روان مطالب به خواننده از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.

۳,۱,۲ بررسی فهرست مطالب (اجمالی / تفصیلی)

فهرست مطالب این کتاب فهرستی تفصیلی است و از نقاط قوت کتاب است و خواننده به راحتی از طریق فهرست می‌تواند به آنچه در پی آن است دست یابد.

۲,۲ کاستی‌ها

۱,۲,۲ ساختار

هرچند کتاب از مشکلات مرسوم تبدیل رساله‌های دانشجویی به کتاب مصون است، کاستی ارجاع درست مطالب هر بخش / فصل به یک‌دیگر در آن فراوان دیده می‌شود. به این معنا که کیوانی به‌ندرت خود را با خواننده هم‌راه می‌کند و به او یادآور نمی‌شود که درباره یک

موضوع خاص در فصل یا فصول پیشین صحبت شده یا در ادامه بیش‌تر صحبت می‌شود و مثلاً خواننده برای آگاهی از پیشینه فلان موضوع می‌تواند به آن فصل رجوع کند. شاید فرض اساسی کیوانی چنین است که این رساله، به‌وسیله استادان متخصص، تماماً و به‌صورت یک‌پارچه و دقیق خوانده می‌شود و خواننده، ضمن حضور ذهن کامل، اثر را بررسی می‌کند. پس، لزومی به یادآوری مطالب پیشین یا پسین نیست. برای مثال، زمانی که در بحث «نظارت بر قیمت‌ها» از «شورای قیمت‌گذاری» یاد می‌کند، اشاره نمی‌شود که در فصل پیشین درباره شورایی مشابه با این موضوع مطالبی ولو اندک ارائه شده است (کیوانی ۱۳۹۲: ۱۰۸، ۱۲۰).

به‌صورت کلی، چیش مطالب کتاب کمی دچار درهم‌ریختگی است و نگارنده در هدایت چهارچوب دقیق پژوهشی خود کاملاً بی‌نقص عمل نکرده است. جدای از تهیه فهرست عنوان بخش‌ها و فصل‌های کتاب، شایسته روال معمول بود که به چگونگی و علت بخش‌بندی و فصل‌بندی تحقیق در مقدمه اشاره می‌شد (حضرتی ۱۳۹۱: ۱۴۳؛ ملائی‌توانی ۱۳۹۰: ۹۸)، اما این کار به دلیل نداشتن مقدمه مؤلف انجام نشده است. هم‌چنین، برای تعدادی از فصل‌های بسیار کم‌حجم ادغام ممکن نبود. اشاره شد که به دلیل مشخص‌نشدن هدف کتاب، ارتباط موضوعی دقیق میان بخش‌ها کم‌رنگ است. برای نمونه، بین موضوع «انواع اصناف» و «مالیات اصناف» مندرج در بخش‌های دوم و چهارم کتاب (کیوانی ۱۳۹۲: ۵۹-۶۹، ۱۰۷-۱۱۷) چنین اقدامی نیاز بود و چنانچه مطالب به‌صورت منسجم و منظم ارائه می‌شد، به‌یقین تصویر کامل‌تر و جامع‌تری در ذهن خواننده در این ارتباط شکل می‌گرفت. در همین راستا، مؤلف محترم می‌توانست از سامان‌دهی برخی مطالب در جداول یاری گیرد.

۲،۲،۲ ضبط اسامی نادرست و متفاوت

در معدود مواردی، مترجم اسامی را با دقت لازم ضبط نکرده است. ضبط درست‌تر اسم خاص شخصیت فرانسوی «رافائل دومان» «Dumans» است و نه «دومانس» (کیوانی ۱۳۹۲: ۳۳، ۹۱)؛ اسم خاص «شوبرگ» «Sjoberg» درست و رایج است و نه سجویرگ (همان: ۳۸). اسم خاص «تونو» «Thevenot» درست است و نه تونوت (همان: ۱۷۷) یا تونوت (همان: ۱۰۷)، این نام اخیر با دو ضبط در این کتاب ثبت شده است.

۳,۲,۲ مقدمه / مقدمه‌ها

اثر فاقد مقدمه نویسنده است. رسم معمول و ضوابط پژوهش‌های دانشگاهی، که توضیحاتی درباره موضوع و روش و دشواری‌های پژوهش است، تا خواننده با جزئیات موضوع به صورت مسائل پژوهش مواجهه‌ای معقول و منطقی داشته باشد (حضرتی ۱۳۹۱: ۱۶۴؛ بلک و مک رایلد ۱۳۹۰: ۲۵۵)، در این کتاب نیست.

۴,۲,۲ عنوان و زیرعنوان

نویسنده در بسیاری موارد از بخش‌ها و فصل‌ها گرفته تا مطالب درون هر بخش سعی در رعایت نظم منطقی در ارائه مطالب و به خصوص نگارش مقدمه‌های نظام‌مند برای ورود به هر یک از مباحث کلان و جزئی داشته است، اما این تلاش همواره موفقیت‌آمیز نبوده است. یکی از عوامل اثربخش و مهم، که به آن کم‌تر توجه شده، استفاده مناسب از تیترها و زیرتیتر (عنوان‌ها و زیرعنوان‌ها / title and subtitle) است. قرار ندادن این نشانه‌ها در جای مناسب از متن باعث سردرگمی خواننده می‌شود. برای نمونه، در بخش نخست کتاب، یکی از زیرعنوان‌ها «گزارش‌های رسمی اروپاییان» است. در حالی که در سه پاراگراف ابتدایی آن، نگارنده به توضیح مقدماتی و دسته‌بندی گزارش‌های اروپاییان به انواع رسمی، سیاحت‌نامه‌ای، مبلغان مذهبی پرداخته است. او به راحتی می‌توانست با انتخاب زیرعنوان‌های دقیق‌تر خواننده را در درک شایسته‌تر موضوع یاری دهد (کیوانی ۱۳۹۲: ۲۹).

۵,۲,۲ توضیحات تکمیلی

با وجود آن‌که مترجم وعده می‌دهد تا مطالبی را بنابه نظر خود و هر جا که لازم است «در دو قاب» برای تکمیل توضیحات مؤلف بیفزاید، در متن اصلی کتاب این اقدام مفید چندان صورت نمی‌گیرد؛ این کار ضمن این‌که به غنای این اثر بیش از صورت کنونی آن می‌افزود، می‌توانست تبعات فاصله طولانی زمان ترجمه کتاب به زبان فارسی، یعنی فاصله بیش از ۳۳ سال، را پر کند، چراکه طی این دهه‌ها، آثار متعددی در حوزه تحولات اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی عصر صفوی منتشر شده است و این امکان بود که دست‌کم بخشی از آن‌ها به وسیله مترجم فاضل اثر ذکر یا معرفی شوند.

بخش بعدی آغازین کتاب سپاس‌گزاری مؤلف است که در آن کیوانی ضمن قدردانی از استادان و افراد صاحب‌نظری که از راه‌نمایی‌ها و آثارشان بهره‌جسته، به نکته‌ای درباره منابع اثرش اشاره می‌کند: «بهره‌گیری از مصاحبه‌هایی با بازاریان و اصناف

شهر اصفهان». این موضوع جذاب، که لزوم و چگونگی استفاده از آن برای اثری درباره دوران صفوی آشکار نیست، با وجود ایجاد پرسش در ذهن خوانندگان آگاه پاسخی شایسته در متن پیدا نمی‌کند.

نکته مهم در این میان ترجمه نکردن دیباچه یا پیش‌گفتار کوتاه مؤلف است. کیوانی در یک صفحه و نیم به اهمیت دوران صفوی و توجه پژوهش‌گران به این دوره پرداخته است که نمایان‌گر فضای آن روزگار تحقیقات درباره تاریخ ایران و عصر صفوی است و ترجمه آن می‌توانست مفید باشد.^۳

۶،۲،۲ نمودار

واپسین بخش قبل از ورود به فصول اصلی کتاب فهرستی از سلسله‌های حکومتی ایران از تیموریان تا صفویان است. با وجود اهمیت آن، خواننده آشنا به تحولات تاریخ ایران با مطالعه اثر به لزوم درج چنین سال‌شماری پی نمی‌برد.

۷،۲،۲ نمایه

نمایه یا واژه‌نامه انتهای اثر از جامعیت نسبی برخوردار است و شامل افراد، اماکن به صورت جزئی (از شهر تا مکان‌هایی مانند کتاب‌خانه ملی)، و هم‌چنین پیشه و حرفه‌هاست. اما در همین محورها برخی اسامی مهم جا افتاده است. برای مثال، نام «لمبتون» که به دفعات متعدد در این کتاب یاد شده است. هم‌چنین، نظر به این که شمار اسامی کتاب‌ها در اثر فراوان نیست، تهیه نمایه از آن‌ها شاید لازم نباشد، اما اگر به‌طور کلی این نمایه تبدیل به نمایه‌ها به تفکیک محورهای گوناگون بود برای استفاده آسان‌تر و دقیق‌تر می‌شد.

۸،۲،۲ اغلاط متن و افتادگی‌ها

حجم اغلاط تایپی تقریباً از ۱۵۰ نمونه افزون‌تر است. البته، این اغلاط به مؤلف و مترجم بازمی‌گردد و درج آن‌ها در این نوشتار فقط بر حجم مطلب افزوده است. از دیگر کاستی‌ها، افتادگی ذکر منابع و پژوهش‌ها یا قرار گرفتن نابه‌جای علامت ارجاع به یک متن است.^۴ نگارنده در برخی ارجاعات محل درست و دقیقی برای قراردادن نشانه (شماره) ارجاع انتخاب نمی‌کند،^۵ یعنی بعد از برداشت و نظر و تحلیل خود از یک موضوع، شماره ارجاع را قرار می‌دهد و این اقدام ممکن است خواننده را به پرسش یا نظری از فردی نادرست سوق دهد (بنگرید به کیوانی ۱۳۹۲: ۵۱، ارجاع ۴؛ همان: ۱۰۹، ارجاع ۱۴).

۳. مؤلف، مترجم، و ویژگی ادبی متن

۱,۳ مؤلف

آشنایی اجمالی با مؤلف کتاب برای شناسایی رویکردهای او در تألیف و هم‌چنین، نتایج و استنتاجات کتاب می‌تواند مؤثر باشد. نویسنده کتاب، مهدی کیوانی، متولد تیر ۱۳۱۹ در خانواده‌ای زرگرپیشه است. او در سال ۱۳۳۶ در رشته ادبی از دبیرستان هراتی اصفهان دیپلم گرفت. مدرک کارشناسی رشته تاریخ و جغرافیا را در سال ۱۳۴۰ از دانش‌سرای عالی تهران اخذ کرد و در سال ۱۳۴۹ با نوشتن پایان‌نامه‌ای با عنوان «جراید و مطبوعات اصفهان از آغاز تا سال ۱۳۴۰ ش» در رشته تاریخ ایران مدرک کارشناسی ارشد^۶ را دریافت کرد. در سال ۱۳۵۵ با استفاده از بورس دانشگاه اصفهان برای ادامه تحصیل راهی انگلستان شد و در سال ۱۳۵۹ با تدوین رساله *زندگی صنفی پیشه‌وران در عصر صفویه* موفق به اخذ درجه دکتری از دانشگاه دورهام (Durham) انگلستان شد.^۷ این رساله در سال ۱۳۶۱ ش / ۱۹۸۲ م در شهر برلین آلمان چاپ شد^۸ و در سال ۱۳۹۲ به فارسی ترجمه و منتشر شد. از کیوانی چند اثر در پیوند با این کتاب به فارسی چاپ شده است: مدخل «اصناف»،^۹ مقاله «موانع رشد سرمایه‌داری و حیات مادی در ایران سال‌های ۹۹۶ تا ۱۱۳۵ ق»،^{۱۰} مقاله «هجوم بورژوازی تجاری غرب به ایران و انقراض صفویه»،^{۱۱} و غیره.^{۱۲} کیوانی پس از بازنشستگی با درجه استادی از دانشگاه اصفهان ضمن همکاری با بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در مراکز علمی و دانشگاهی دیگر از جمله دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت دارد.

می‌توان این فرض را مطرح کرد که پرورش در خانواده‌ای زرگرپیشه در برانگیختن علاقه ایشان به موضوع اصناف و پیشه‌وران مؤثر بوده است. هم‌چنین، تحصیلات مقطع دکتری مؤلف در کشور انگلستان و رویکرد حاکم بر دانشگاه محل تحصیل ایشان یعنی «دورهام» در جایگاه سومین دانشگاه معتبر انگلستان، بعد از دانشگاه‌های «آکسفورد» و «کمبریج» و توجهی که در این دانشگاه به حوزه اقتصاد اسلامی و اقتصاد در کشورهای مسلمان صورت می‌گیرد، به احتمال در اتخاذ رویکردهای کیوانی در تدوین این اثر و انتخاب ایده اصلی تأثیر داشته است. برای تبیین این موضوع می‌بایست در ابتدا مروری اجمالی بر نظریات اصلی و آرای اندیشمندان صاحب‌نظر درباره «اصناف و نظام صنفی و پیشه‌وری» در سایر کشورها و هم‌چنین ایران داشت که در ادامه خواهد آمد.

۲,۳ مترجم

مترجم اثر یزدان فرخی، از دانش‌آموختگان رشته تاریخ ایران دوره اسلامی در دانشگاه پیام نور و اکنون استادیار تاریخ در همین دانشگاه است و در زمان ترجمه اثر دوران دانشجویی خود را در مقطع دکتری طی می‌کرد. از جمله نقاط قوت اثر تخصص مترجم و علاقه‌مندی او در همین زمینه موضوعی است که بر دقت ترجمه و سهولت فهم مطالب تأثیر چشم‌گیری داشته است.^{۱۳}

۳,۳ ویژگی نگارشی متن

با وجود متن کاملاً تخصصی کتاب، که برای مخاطبان دانشگاهی نگاشته شده است، ادبیات نگارشی روان و ساده‌ای دارد. رویکرد مؤلف کاملاً نخبه‌گراست و تقریباً در هیچ‌جای اثر کیوانی مطلبی را با مخاطبان نه‌چندان آگاه به تحولات آن دوران به‌اشتراک نمی‌گذارد. درکنار روانی و سادگی متن، ترجمه مطلوب کار، چنان‌که پیش‌تر نیز ذکر شد، جای قدردانی دارد.

۴. پیشینه پژوهش‌ها درباره اصناف

۱,۴ خارج از ایران

مباحث مطرح‌شده در مورد شکل‌گیری صنف (Guild)^{۱۴} با حوزه مطالعات اقتصادی و هم‌چنین با مطالعات اجتماعی، از جمله شهر و تحولات شهرنشینی و جامعه‌شناسی تاریخی، پیوند نزدیکی دارد. اندیشمندان و نظریه‌پردازان اقتصادی آن هنگام که به نیروهای تولید در جوامع توجه کردند به تدریج بر نقش صنف یا رسته نیز در حوزه مطالعات اقتصادی به‌خصوص در زمینه تولید و سپس تحولات اجتماعی افزوده شد.^{۱۵} در این میان، آرای اندیشمندان سوسیالیست، پیش‌روان توجه به رسته و صنف در تولید، جایگاه ویژه‌ای داشت.^{۱۶} از سوی دیگر، در حوزه جامعه‌شناسی نیز مسائل شهر و شهرنشینی، رشد بنیان‌ها، ساخت‌ها و نهادهای جامعه شهری، قشربندی اجتماعی و از آن جمله گروه‌بندی نیروهای مولد شهری، نهاد اقتصادی بازار و درکنار آن اصناف، رابطه آن با جامعه بزرگ‌تر، و سرانجام انواع اجتماعات شهری نیز بر توجه به اصناف افزود. در میان صاحب‌نظران مرتبط با قشربندی اجتماعی، دو نام بیش از سایرین اثرگذار بوده‌اند: «کارل مارکس» و «ماکس وبر».^{۱۷} آن‌ها مبانی نظری جامعه‌شناسی تاریخی شهر را پی‌ریخته‌اند و بیش‌تر

جامعه‌شناسان و تاریخ‌دانان بعدی از نظریه‌های این دو سود جست‌ه‌اند و آن را در موارد خاص مورد بررسی و آزمون قرار داده و در مواردی، گسترده‌تر و بارورتر ساخته‌اند (اشرف ۱۳۶۰: ۹۴).

مارکس در *کاپیتال* یا *سرمایه، نقدی بر اقتصاد سیاسی*، ضمن اشاره اجمالی به چگونگی پیدایش صنوف در دوران پیشامدرن و قرون وسطی (مارکس ۱۳۸۸: ج ۱، ۳۵۸، ۳۷۵)، نشان می‌دهد که چگونه نظام اصناف قرون وسطی مانع تبدیل شدن استادکاران به سرمایه‌داران می‌شوند (همان: ۳۴۲-۳۴۳). شاید بتوان همین نگاه منفی او در قبال اصناف قرون وسطی (همان: ۳۹۳-۳۹۴) را انگیزه توجیه برخی پژوهش‌گران بعدی به فرایند پیدایش اصناف و جایگاه آن‌ها در نظام پیشه‌وری دانست. مارکس در این دیدگاه تا آن‌جا پیش می‌رود که سازمان اصناف شهرها را با سازمان فئودالی روستا هم‌تراز می‌کند و آن‌ها را مانع تبدیل سرمایه پولی به سرمایه صنعتی می‌داند (همان: ۸۰۲). اصناف پس از این در سنت تاریخ‌نگاری مارکسیستی کم یا بیش جزو موضوعات مورد توجه بودند.^{۱۸} اما این آرای اثرگذار «ویر» بود که موضوع اصناف را بیش از پیش با حوزه جامعه‌شناسی آن هم مطالعات شهری و تمدنی پیوند زد.^{۱۹} او در کتاب شهر به جایگاه و نقش اصناف^{۲۰} در روند تحول و تکامل شهرها در قرن‌های متعدد و در سرزمین‌های گوناگون از اروپا و چین تا فلسطین، ژاپن، هند، و عربستان اشاره دارد (ویر ۱۳۷۳: ۸۷-۱۰۱).

با مروری مختصر درباره شکل‌گیری صنف (Guild)، در سرزمین‌های اروپایی باید گفت: با وجود تفاوت این سازمان‌های اجتماعی در طول تاریخ اروپا از عصر باستان تا قرون وسطی و پس از آن و هم‌چنین، تفاوت تحولات مربوطه در کشورهای گوناگون اروپایی، از انگلستان و فرانسه گرفته تا آلمان و اسپانیا، معمولاً از دو دسته اصناف در زندگی شهری یاد می‌شود: اصناف بازرگان و اصناف صنعت‌گر؛ اعضای هر صنف را «اهل انجمن اخوت» (confraternities) می‌خوانند که به یک‌دیگر کمک می‌کنند. از لحاظ سیاسی، یک صنف نه دارای یک قلمرو سیاسی بود و نه ارتباط خود با جامعه بیرون از صنف و تشکیلات شهری را قطع می‌کرد. ممکن بود صنف تابع اسقف، لرد، فئودال یا شاه باشد، اما میزان سرسپردگی یا فرمان‌برداری به میزان استقلال شهر محل استقرار صنف بستگی داشت. اصناف انگلستان برای اهداف مذهبی و اجتماعی به صورت داوطلبانه شکل گرفتند و گاه چنان اعتباری داشتند که قوانین آن‌ها به قوانین شهر تبدیل می‌شد. به تدریج در قرن یازدهم میلادی اصناف تجاری شکل گرفتند و در پی آن‌ها در قرن چهاردهم میلادی اصناف صنعت‌گر (پیشه‌ور) به عرصه وجود قدم گذاشتند.^{۲۱}

اما، در فرانسه اصناف در ابتدای شکل‌گیری در تقابل با نظام کلیسا قرار داشتند، هرچند که درخصوص ریشه‌های آن‌ها، یعنی این‌که اصناف محصول روح مسیحیت بودند یا از بقایای نظام‌های امپراتوری روم، اتفاق نظر نیست، آگاهی از سیر این تحولات موجب شده است تا پژوهش‌گران غیرایرانی در بررسی اصناف و نظام پیشه‌وری در کشورهای جهان اسلام و ازجمله ایران نیز به دنبال تسری چنین الگوها و روال‌هایی باشند.^{۲۲}

براساس یک نظریه، که تقریباً نگاهی غالب در بین اندیشمندان غربی برای پیدایش اصناف در جهان اسلام محسوب می‌شود، ریشه شکل‌گیری انجمن‌های صنفی اسلامی در فرقه‌های مذهبی، درویشان، اهل فتوت، و صوفیان قرار دارد.^{۲۳} این نوع نگاه ریشه در نظریات پژوهش‌گران نظام صنفی و شهرنشینی در اروپا دارد.^{۲۴} که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد؛ ازجمله علاقه‌مندان این نگاه لوئی ماسینیون است^{۲۵} که تاریخ اصناف را با قرمطیان و جنبش کرامتیه در ارتباط می‌داند (۴۳۶-۴۳۷، «Sinf», Massignon),^{۲۶} «کلود کائن» نیز درباره این ارتباط و پیوستگی نظرهایی ارائه کرده است^{۲۷} (Cahen ۱۹۷۹: ۹۶۱-۹۶۵). لمبتون در مقاله مفصلی که به اصناف در دوران پیشامدرن تاریخ ایران اختصاص دارد، به شرح ارتباط اصناف و اهل فتوت پرداخته است (Lambton ۱۹۵۴). هرچند آرای او نقاط افتراق زیادی با نظریات ماسینیون دارد. از میان پژوهش‌گران متأخر، ریچارد فرای نیز با احتیاط علمی به ارتباط احتمالی صنف‌ها با غازیان یا صوفیه یا فرق درویش‌ها آن‌هم در سرزمین‌های شرقی جهان اسلام اشاره می‌کند (فرای ۱۳۹۰: ۲۲۰-۲۲۱). وبر در بررسی‌های پراکنده خود درباره اسلام^{۲۸} که اشاراتی نیز به ساختار اصناف دارد، بر موضوع تسلط دولت و حکومت بر امور داخلی اصناف تأکید دارد و درکنار آن نبود کارکرد مشابه گیلدها در جهان اسلام را، به دلیل پای‌بندی اعضای جامعه به هویت و وابستگی‌های عشیره‌ای و خانوادگی، بیش از پای‌بندی به هویت شهری می‌داند (وبر ۱۳۸۴: ۸۳-۹۰).

پیش از جمع‌بندی، نکته‌ای درمورد آرای کیوانی درخور ذکر است. او نیز به‌نوعی هم‌سو با آرای ماسینیون و پیروان اوست و به ارتباط بین فرق دینی و ازجمله صوفیه با اصناف اعتقاد دارد، هرچند با صراحت آرای او را تأیید نمی‌کند، حجم نقل‌قول‌ها و هم‌چنین، فصلی که با عنوان «اصناف و فرقه‌های دراویش» به تبیین این موضوع اختصاص می‌دهد، نشان از این رویکرد دارد. مؤلف البته درباره عدم امکان مقایسه اصناف ایران با اصناف اروپایی باصراحت اعلام می‌دارد که چنین مقایسه‌ای نمی‌تواند مناسب باشد (کیوانی ۱۳۹۲: ۲۴۰).

نظریه دیگری که از سوی برخی از اندیشمندان غربی مطرح شد^{۲۹} و بیش تر به وسیله خاورشناسان شوروی پی‌گیری شد، پیوستگی و تداوم انجمن‌های صنفی طی ادوار گوناگون تاریخی بود. در این دیدگاه، انجمن‌های صنفی ایران در دوره ساسانی و اصناف سرزمین عثمانی در امپراتوری بیزانس ریشه داشتند (پیگولوسکایا ۱۳۷۷: ۳۱۱-۳۱۸؛ عبدالستار عثمان ۱۳۷۶؛ اشرف ۱۳۷۵: ۲۰). شاید بهتر باشد این نظریات را در کنار یکدیگر و کامل‌کننده چرخه پیدایش و تداوم اصناف و ساختارهای پیشه‌وری در شرق در نظر گرفت.

در انتها، از برخی محققان خارجی که در این زمینه کتاب یا مقالاتی منتشر کرده‌اند و دیدگاه و رویکردی خاص به موضوع اصناف داشتند یاد می‌شود؛ «پیگولوسکایا»،^{۳۰} «لمبتون»،^{۳۱} «پتروشفسکی»،^{۳۲} «کوزنتسوا»،^{۳۳} «هانری کربن»،^{۳۴} «ویلم فلور»،^{۳۵} «برنارد لوئیس»، و «لایپدوس».^{۳۶} یکی از شاخص‌ترین پژوهش‌گران در این زمینه «صبح ابراهیم سعید شیخلی» در تعریف خود از صنف به ویژگی‌ها و وجود ممیزه آن‌ها با سایر انجمن‌ها و گروه‌ها توجه دارد و مشخصه‌هایی برای اصناف برشمرده که آن را گریزی از نظریه دوم و نزدیکی مفاهیم اصناف و انجمن‌های فتوت می‌توان دانست.^{۳۷}

۲,۴ در ایران

به یک نکته کلیدی باید توجه داشت: به‌کاربردن اصطلاح «صنف و اصناف» در مورد پیشه‌وران ایران، در صورتی که تنها اشاره به گروهی از پیشه‌وران دارای یک شغل و حرفه گردآمده در یک راسته یا منطقه از بازار باشد به واقعیت جامعه شرق نزدیک است. اما اگر از «نظام صنفی» الگویی اراده کنیم که ناظر به کارکردهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر «محوریت تولید و کنترل آن توسط نهاد صنف و اصناف» باشد، مفهومی است که نزدیک به الگوی جوامع غربی خواهد بود (یوسفی فر ۱۳۹۰: ۲۳۵).

آغازگر توجه جدی به موضوع اصناف در ابتدا حوزه‌های مرتبط با اقتصاد و مسائل شهرنشینی بود. از پژوهش‌گران شاخص این حوزه باید از «احمد اشرف»،^{۳۸} «سید کاظم روحانی»،^{۳۹} و بعدها «احمد سیف»،^{۴۰} «عباس ولی»،^{۴۱} «حسین سلطان‌زاده»،^{۴۲} «سید محسن حبیبی»،^{۴۳} «ابوالفضل رضوی»،^{۴۴} و «شهرام یوسفی فر»^{۴۵} نام برد. انواع دیگری از آثار با رویکردهایی متفاوت به موضوع اصناف نیز به رشته تحریر در آمدند. برخی آثار در سنت پژوهشی مارکسیستی به‌شمار می‌روند: «فرهاد نعمانی»،^{۴۶} «محمد رضا فشاهی»،^{۴۷} و

برخی تحت تأثیر الگوهای کلان این سنت‌اند: «ابوذر ورداسپی»^{۴۸} تعدادی از آثار نیز در راستای ایده ارتباط اصناف و آیین‌های اسلامی، هم‌چون عیاران و فتیان و صوفیان، نگاشته شدند مانند آثار «مهران افشاری»^{۴۹}.

۵. سابقه پژوهش درباره موضوع اصناف و پیشه‌وران در عصر صفوی

در مورد وضعیت اصناف در دوران صفوی تا زمان نگارش این کتاب، پژوهش‌های اندکی انجام گرفته بود و شاید بتوان گفت که هیچ پژوهش مستقلی درباره این موضوع انجام نشده بود. البته در مطالعات پیشه‌وران و اصناف در ایران، به روند تحولات در عصر صفویه نیز اشاره شده بود؛ از جمله در آثار فلور، اما هیچ‌یک حالت مستقل نداشت. همین موضوع نشان از ارزش‌مند بودن پژوهش کیوانی به‌منزله نخستین فعالیت پژوهشی مستقل و جدی در این موضوع است.

هم‌زمان با تألیف رساله دکتری کیوانی و انتشار آن، دو اثر دیگر درباره تحولات اقتصادی و اجتماعی عصر صفوی نوشته «امین بنانی»^{۵۰} و «داریوش نویدی»^{۵۱} چاپ شد. در هردوی این آثار، با وجود تخصصی‌بودن، مطلب چندانی درباره پیشه‌وران و جایگاه آنان در اقتصاد و اصناف دیده نمی‌شود. بنانی به تکرار نظریات پیوستگی و برآمدن اصناف از سنت فتیان و عیاران بسنده می‌کند و نویدی نیز که به دنبال بررسی علل برنیامدن سرمایه‌داری در ایران عهد صفوی است، با اذعان به کمبود اسناد و مدارک، موضوع پیشه‌وری و تجارت را در پژوهش خود به‌کنار نهاده است (نویدی ۱۳۹۲: ۱۶).

در فاصله زمانی اندکی بعد از انتشار این کتاب، پژوهش‌گران سرشناس و متخصص در حوزه تاریخ صفویه به معرفی و نقد آن پرداختند؛ از جمله آن‌ها می‌توان برشمرد: «راجر سیوری»^{۵۲}، «حسن شایگان»^{۵۳}، «دیوید مورگان»^{۵۴}، «یان ریشار»^{۵۵} و «توماس ریکس»^{۵۶} (کیوانی ۱۳۹۲: ۱۱-۱۲).

توجه به این کتاب و اقدام برای ترجمه و انتشار آن در سرزمین مؤلف تا بیش از سه دهه بعد از چاپ رخ نداد. این موضوع با وجود آن‌که مطالعات صفوی از یک‌سو و توجه به مقولاتی هم‌چون تاریخ اجتماعی، تاریخ اقتصادی، تاریخ شهر و شهرنشینی طی این دوران در ایران رونق یافته بود، عجیب می‌نماید. البته، در این میان در برخی آثار پژوهشی و پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها ارجاعاتی هرچند پراکنده به کتاب دیده می‌شود، اما اقبال عمومی جامعه علمی ایران در قبال آن چندان نبود.

۶. تحلیل ابعاد محتوایی اثر

۱،۶ نقد برون‌ساختاری

۱،۱،۶ هدف اصلی کتاب

هرچند بنابه رسم معمول، محل اشاره به هدف یا اهداف تدوین یک اثر و فرضیه‌ها و روش‌شناسی کار مقدمه است، اما اشاره شد که نویسنده در هیچ بخشی از کتاب با صراحت از هدفش نمی‌گوید و تنها خواننده آگاه به این قبیل مباحث شاید بتواند حدس‌هایی داشته باشد. در بخش‌های گوناگون کتاب (به صورت مشخص‌تر در نتیجه‌گیری) درکنار توصیف برخی فعالیت‌های پیشه‌وران و اصناف در ایران اواخر دوران صفوی، کیوانی به نقش مخرب و اختلال‌آفرین حکومت صفوی در تحولات اقتصادی و به ویژه کارکرد اصناف در آن دوران تأکید دارد. از همین روی، شاید بتوان یکی از اهداف ضمنی اثر را تجلی نقش مخرب حکومت‌ها در سیاست‌های اقتصادی و کارکرد نهادهایی مانند اصناف دانست. درباره دلایل اتخاذ چنین رویکردی می‌توان به مواردی که در ادامه ذکر خواهد شد، اشاره کرد.

نخست، مقایسه نظام صنفی ایران عصر صفوی با نظام صنفی در قرون وسطی است. باید توجه داشت که غالب پژوهش‌گرانی که به تحولات و کارکردهای نظام صنفی در جهان اسلام و از آن جمله ایران اشاره دارند، معیار خود را از نظام‌های صنفی رایج در اروپا، آن‌هم اروپای دوران قرون وسطی اخذ کردند. درحالی‌که در اروپای دوران جدید، با ظهور دولت‌های مدرن، که غالباً دولت‌هایی مقتدر و مرکزگرا بودند،^{۵۷} نظام صنفی در این کشورها نیز با فرازوفرودهایی مواجه شد و در پس تحولات خاص، هریک از این سرزمین‌ها روبه افول گذاشتند،^{۵۸} هرچند این افول به یکباره در سراسر اروپا رخ نداد،^{۵۹} تقریباً بعد از تحولات میانی قرن نوزدهم، نظام صنفی در کل اروپا کم‌رنگ و مضمحل شده بود. حال آن‌چه می‌تواند مربوط به این اثر باشد رویکرد و نگاه کلان مؤلف است؛ معیار کیوانی وضعیت اصناف اروپایی است،^{۶۰} اما نه دولت‌های اروپایی هم‌عصر صفویه که غالباً به سوی تمرکزگرایی پیش می‌رفتند. اگر نحوه مواجهه حکومت‌های اقتدارگرای اروپایی هم‌چون فرانسه دوران سلطنت لوئی سیزدهم (۱۶۱۰-۱۶۴۳ م) و لوئی چهاردهم (۱۶۴۳-۱۷۱۵ م) با اصناف این کشور معیار قرار می‌گرفت، احتمالاً از برخی نگاه‌های ناخوشایند مؤلف به عملکرد حکومت صفوی درباره اصناف کاسته می‌شد. البته در این میان، نباید تأثیر نگاه مرسوم جامعه علمی روزگار مؤلف به جایگاه اصناف در شرق ملهم از آرای «ماکس وبر» را نیز فراموش کرد. کیوانی در بخش‌هایی کوشید حکومت صفوی را

مانع شکل‌گیری اصناف قدرت‌مند و مستقل و در نتیجه پویایی اقتصادی در آن دوران معرفی کند، اما با اندکی تغییر زاویه دید می‌توانست به نقش اقتصاد و رابطه دوطرفه و مؤثر پیشه‌وران و اصناف و حکومت صفوی نیز بپردازد. نمونه‌ای که در برخی پژوهش‌های (رودلف پ. متی) دیده می‌شود. متی در مقاله‌ای با عنوان «تجار در عصر صفوی (شرکا و دیدگاه‌ها)» هرچند با موضوع پیشه‌وران و اصناف به‌طور مستقیم در ارتباط نیست، اما نشان می‌دهد که ارتباط تجار و بازرگانان با حکومت چگونه دوسویه بوده است و آن‌ها می‌توانستند در مقام نخبگان حاکم در سلسله‌مراتب دیوان‌سالاری جای گیرند یا طبقه مستقلی تشکیل دهند (متی ۱۳۷۸: ۱۰۸-۱۰۹).

دوم، شاید بتوان به تأثیر نظریات رایج اقتصادی و سیاسی در زمان تألیف اثر اشاره کرد؛ از اواخر دهه ۱۹۷۰ و هم‌چنین در دهه ۱۹۸۰ م، یکی از گرایش‌های غالب در نظریه‌های اقتصادی و اجتماعی رایج در غرب و از جمله انگلستان نظریه‌های رفاه اجتماعی و رویکردهای تعدیل‌ساختاری بود؛ دوران گرایش به حذف نقش دولت در اقتصاد و آزادسازی یا خصوصی‌سازی دوران افول دولت‌های رفاهی و عصر «دخالت‌زدایی» به‌معنای اعاده حدود و قیود لیبرالی بر اقتدار دولتی و تأکید بر توانایی‌های جامعه برای سازمان‌دهی خود.^{۶۱} سیطره چنین فضایی در غرب انگلستان را نیز بی‌بهره نگذاشت. به‌احتمال بسیار، جریان‌داشتن چنین مباحثی در مجامع آکادمیک آن روزگار بر دیدگاه کیوانی به این بخش از تاریخ ایران تأثیر خود را برجای گذاشته است.

دیدگاه منفی نگارنده به حکومت صفویه (البته کم‌تر محسوس) به‌نوعی در گردآوری و ارائه داده‌ها در کلیت این اثر احساس می‌شود. از جمله نمونه‌های تقریباً آشکار دیدگاه منفی کیوانی درباره دخالت‌های دولت در امور اجتماعی و اقتصادی پیشه‌وران این مورد است: «[دولت صفوی] در پی به‌دست‌آوردن اقتدار و مرکزیت‌بخشیدن به قدرت خود بود و فرصت توسعه مؤثر هرگونه نهادهای محلی خودجوش را، که برای پایداری توده‌های شهرهای بزرگ ضروری بود، به جامعه نمی‌داد» (کیوانی ۱۳۹۲: ۷۳-۷۴). در نمونه‌ای دیگر، فعالیت صاحب‌منصبان حکومتی صفویه را، که در احداث و اداره مساجد و اوقاف مشارکت می‌کردند، حاصل ریاکاری آن‌ها و تظاهر به خیرخواهی یا دین‌داری حکومت در چشم مردم می‌داند (همان: ۱۴۵). برای این نگاه منفی علاوه‌بر نکات اشاره‌شده در بالا می‌توان عامل مهم دیگری را حدس زد؛ دوران تدوین نهایی پایان‌نامه کیوانی مصادف با سال‌های انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ است. او نیز احتمالاً تحت تأثیر فضای خاص انقلابی و ضدسلطنت و اجزای آن برداشتی ضد سلاطین و عمال صفوی داشته و به‌صورت ناخودآگاه در برخی

مطالب اثرش آشکار ساخته است. باید افزود که کیوانی هر چند به تصریح هیچ‌گاه به مقایسه ایران صفوی و حکومت‌های اروپایی هم‌چون انگلستان آن عصر، که دارای نظام‌های صنفی متشکل و ساختارمندی بودند، نمی‌پردازد، براساس برخی داوری‌های او چنین مقیاسی را در ذهن داشته است.

۲,۱,۶ روش نگارنده و تئوری اثر

پژوهش‌گر در ارائه مباحث و نظریات رایج در مورد اصناف جامعیت لازم برای تحقیق را کاملاً لحاظ نکرده است. او به صورت خیلی کلی و گاه مبهم به کارهای پژوهشی پیشین اشاره دارد و در نهایت موضع خود را از نظر روشی و شیوه پردازش آثار مشخص نمی‌کند. روشن نبودن نقشه راه و آوردن مطالب پراکنده در مورد موضوع پژوهش اثر را دچار ابهام‌هایی کرده است. البته، تازه و بدیع بودن موضوع پژوهش در زمان تألیف توانسته کاستی‌های آن را کم‌رنگ کند و این کتاب را هم‌چنان برای پژوهش‌گران علاقه‌مند به این حوزه جذاب و قابل ارجاع نگه دارد.

۲,۶ نقد درون‌ساختاری

۱,۲,۶ ناهم‌خوانی محتوا با عنوان

برخی بخش‌های کتاب به نام‌گذاری و بازنگری در نام‌گذاری نیاز دارد. هم‌چنین، در برخی بخش‌ها محتوا با عنوان هم‌خوانی ندارد یا با محتوای کل اثر هم‌خوانی اندکی دارند. بخش اول با عنوان «بررسی منابع پژوهش و زمینه تاریخی» در دو فصل سامان‌دهی شده است. فصل اول با نام «ارزیابی و سنجش منابع اصناف عهد صفوی» به بررسی منابع اختصاص دارد، اما نگارنده در مقدمه فصل و در حدود سه صفحه برخی پژوهش‌ها درباره عصر صفوی و مرتبط با موضوع پیشه‌وران و اصناف را بررسی کرده که خارج از حیطه عنوان فصل است و شایسته بود که نگارنده یا حتی مترجم در عنوان بخش یا فصل بازنگری می‌کردند و مثلاً عنوان «ارزیابی منابع و مآخذ/ پژوهش‌ها اصناف عهد صفوی» را جای‌گزین عنوان نخست می‌کردند.

بخش پنجم، «فعالیت اجتماعی و اقتصادی»، به دو فصل تقسیم می‌شود. فصل نخست به کارکردهای اجتماعی اصناف می‌پردازد، اما در فصل دوم که می‌بایست طبق عنوان بخش به فعالیت‌های اقتصادی اصناف توجه شود، به فعالیت‌های سیاسی اصناف

معطوف شده است. در حالی که، عنوان کتاب شامل بررسی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی اصناف در دوران صفوی است، حتی از نظر حجم هم نگارنده بخش بیش‌تری از کتاب خود را به جنبه‌های سیاسی اصناف اختصاص داده تا جنبه‌های اقتصادی. هم‌چنین، در بیش‌تر بخش‌هایی که نگارنده کوشیده تا به ماهیت اقتصادی اصناف این دوره پردازد، فقط در حوزه‌های اقتصاد سیاسی اصناف بحث کرده است.

بخش هفتم، «کارکردهای فرهنگی و مذهبی»، پیوستگی محتوایی چندانی با سایر مطالب و کل کتاب ندارد. البته نباید فراموش کرد که کتاب توانسته است در موضوعات فرهنگی و توجه به آداب و رسوم رایج میان پیشه‌وران و صنف‌های خاص عصر صفوی و ارائه آماری از عناوین مشاغل و غیره مطالب مفیدی ارائه کند که از آن دوران معتنم است.

۲,۲,۶ ناهماهنگی عنوان اثر با محتوای کتاب

عنوان اصلی «پیشه‌وران و زندگی صنفی در اواخر دوران صفوی (دوران صفوی متأخر) ...»^{۶۲} اما در عنوان فارسی «اواخر دوران صفوی» افتاده است و متأسفانه دلیل این تغییر بیان نمی‌شود،^{۶۳} به‌ویژه این که خواننده آگاه به تحولات این عصر با خواندن این اثر می‌تواند این پرسش را داشته باشد که چرا از بررسی وضعیت اصناف در دوران شاه‌اسماعیل اول تا ابتدای حکومت شاه‌عباس اول به‌مدت نود سال غفلت شده است.

در ادامه، باید گفت که ارتباط میان عنوان اثر با برخی از رؤس مطالب نیز دچار کاستی‌هایی است. کیوانی در بررسی وضعیت اقتصادی پیشه‌وران مطالب چندانی ارائه نمی‌کند و توجه اصلی او به جنبه‌های سیاسی کارکرد اصناف پیشه‌ور است. شاید بتوان این موضوع را با نویابودن پژوهش‌های مرتبط با تاریخ اجتماعی و اقتصادی در سال‌های نگارش اثر مرتبط دانست. همین شرایط و نبود آثار متعدد در این حوزه شاید سبب شد که کیوانی در دست‌یابی به چهارچوبی مشخص برای حوزه تاریخ اجتماعی - اقتصادی آن‌چنان که در عنوان کلان اثر طرح می‌کند، ناکام بماند و بخش قابل‌توجهی از حوزه پژوهشی خود را به کارکردهای سیاسی اصناف و هم‌چنین نگاه سیاسی دولت به اصناف اختصاص دهد.

۳,۲,۶ استفاده کافی از منابع برای تبیین موضوعات

نویسنده گاه از ارائه پیشینه منظم و منسجم یک موضوع چشم‌پوشی می‌کند. این کاستی زمانی آشکارتر می‌شود که سبب سست شدن استدلال‌های مؤلف شده و به‌ناچار برای تبیین

موضوع از منابع نه‌چندان معتبر یا دسته‌دوم استفاده می‌شود. برای نمونه درباره موضوع «طبقات جامعه ایرانی و جایگاه طبقه تجار و پیشه‌ور و نسبت آنها با سایر اجزا و طبقات جامعه»، کیوانی ریشه‌شناسی موضوع و ریشه‌های مستدل بحث در قرن‌های پیش از صفویه را نادیده انگاشته و برای توضیح موضوع به آثار نویسندگانی چون محمدهاشم آصف و تاورنیه متوسل می‌شود (کیوانی ۱۳۹۲: ۵۳-۵۴).

استفاده از شرح زندگانی من، نوشته عبدالله مستوفی، برای موضوع نقش ایرانیان در دستگاه خلافت اموی (همان: ۱۹۵)؛ استفاده از ترکیب «قبایل ترک صحراگرد» برای قبایل قزلباش حامی حکومت صفویه (همان: ۲۰۱)؛ انحراف بی‌دلیل از موضع اصلی بحث آن‌جا که از درگیری فرقه‌ها با عنوان «درگیری نعمتی و حیدری» یاد می‌کند و طرح مطالب بی‌ارتباطی که در ادامه آن آمده است (همان: ۲۰۳)؛ استناد فقط به یک منبع یعنی استفاده از کتاب کمپفر برای ذکر اسامی اصناف شاهی (همان: ۱۶۶-۱۶۸). با توجه به وجود منابع دیگر در این زمینه، از دیگر نمونه‌های این نوع کاستی است. گاه پیوستگی بین مطالب کتاب سست می‌شود و مؤلف برای انسجام آن تلاش نمی‌کند. برای نمونه، در جایی از نظام گردآوری مالیات اصناف اصفهان سخن می‌گوید، اما در صفحه بعد از مناصب مؤثر دیگری که در گردآوری مالیات نقش دارند یاد می‌کند که پیش‌تر به آن اشاره نکرده بود. هرچند این دو مورد به‌ظاهر تضاد زیادی با یک‌دیگر ندارند، مهم این‌جاست که کیوانی کوشش نمی‌کند خواننده را به یک جمع‌بندی نهایی در این زمینه هدایت کند (همان: ۱۰۸-۱۰۹). در نمونه‌ای دیگر، مشخص نمی‌کند که چگونه از موضوع «آویزان‌بودن دائمی ترازوی زردرنگ برنجی در مقابل دکان‌های بازار تبریز» چنین نتیجه گرفته است: «بر وزن کالاها نظارت دائمی صورت می‌گرفت» (همان: ۱۲۰). هرچند می‌توان در این زمینه حدس‌هایی طرح کرد، شایسته نیست که مؤلف همه موارد را به حدس و گمان خوانندگان واگذارد.

باید به یکی از رویکردهای مهم مؤلف نیز اشاره کرد. کیوانی در نشان‌دادن تمایز میان اصناف نمی‌کوشد و در اثر خود این موارد را آشکار نمی‌کند: ۱. آیا همه اصناف به یک اندازه دارای اعتبار اجتماعی بودند؟ ۲. آیا این اعتبار در نوع تعامل حکومت با هریک از اصناف تأثیر نداشت؟ او در بخشی از کتاب استدلالی عجیب در این راستا ارائه می‌کند:

تعیین نسبی مراتب اجتماعی اصناف گوناگون در ایران صفوی کار پیچیده‌ای است، زیرا در دیدگاه اسلامی گفته می‌شود شرافتی به‌جز تقوای الهی وجود ندارد [...] افزون‌بر این منابع موجود، در مورد معیارهای ارزش اجتماعی مورد تأیید در این دوره صراحتاً مطلبی ندارند [...] (همان: ۵۳).

استدلالی که خود جای بحث دارد و ایرادهای متعددی می‌توان بر آن وارد دانست. در این میان، مؤلف از تأثیر احتمالی نظام اصناف عثمانی و دادوستدهای احتمالی میان این نظام‌ها با وجود دست‌رسی به کار «کاظم روحانی» چیزی نمی‌گوید، با وجود آن‌که در بخش پیشینه تحقیق (همان: ۳۷-۳۸) از اثر روحانی یاد کرده است.

۴,۲,۶ کیفیت کاربرد اصطلاحات تخصصی

در برخی موارد، از اصطلاحات تخصصی در جای مناسب و دقیق خود استفاده نشده است. استفاده از اصطلاح «جامعه فئودالی» برای ایران عصر صفوی (کیوانی ۱۳۹۲: ۲۱۰) و یا اطلاق اصطلاح فئودالی برای سلسله‌مراتب نظام اداری و سیاسی مغولان در ایران (همان: ۸۰) نمونه‌های از این دست است.

در مورد دیگری نویسنده تمایلات اقتصادی دولت صفوی، به‌ویژه دوران شاه‌عباس اول، را مرکانتلیستی می‌داند و با آوردن نمونه‌هایی از تلاش دولت به انجام‌گرفتن معاملات پرسود در کشورهای اروپایی می‌کوشد تا نگاه مرکانتلیستی دولت را نشان دهد. دلایلی که نه چندان کافی است و نه با فضای حاکم بر تحولات اقتصادی آن روز ایران سازگاری دارد. هم‌چنین، در برخی موارد معادل‌ها به‌درستی به‌کار نرفته‌اند: «بازرگانان خرده‌پا» با «کسبه» یک‌سان انگاشته شده‌اند (همان: ۵۳) که این دو با هیچ نوع معیاری نمی‌توانند معادل یک‌دیگر دانسته شوند. مؤلف هم‌چنین نابه‌جا از کلمه «توشیح» برای ریاست و تأیید منصب کلانتر بر اصناف می‌نویسد (همان: ۷۷)، درحالی‌که منظور احتمالاً «مهر کلانتر» بوده است که می‌بایست از عبارت نقش مهر استفاده می‌شد و اگر امضای وی منظور بوده، بایستی از عبارت توقیع استفاده می‌شد. زیرا تا دوره قاجار (محمدشاه) عبارت توشیح وجود نداشته و غالباً از عبارت توقیع برای عبارات و علامات ذیل نامه‌ها استفاده می‌شد.

۵,۲,۶ توجه به نقد و بررسی منابع و پژوهش‌ها

فصل اول اثر به معرفی منابع اختصاص دارد. البته نویسنده فقط به معرفی محدود تعدادی از منابع پرداخته و نقد روشنی برای منابع ارائه نمی‌دهد. یکی دیگر از مشکلات کتاب توجه‌نداشتن کافی به استفاده از منابع دست‌اول است. در مواردی، منابع دست‌دوم و مآخذ جدید دیده می‌شود. برای مثال، در مورد محله شیعیان بغداد، نویسنده به یکی از تحقیقات جدید ارجاع داده است (همان: ۳۹). استفاده نکردن از اسناد و منابع هلندی، فرانسوی، روسی، اسپانیایی، پرتغالی، عثمانی، و اسناد کمپانی هند شرقی انگلیس و هم‌چنین،

بهره‌نبردن از اسناد مالی دوره صفوی مانند برات‌ها، پروانچه‌ها، و اسناد مالی از دیگر موارد ضعف این پژوهش است.

از جمله مواردی که به آشفتگی این پژوهش در برخی بخش‌ها منجر شده استفاده فراوان از منابع پس از عصر صفوی، مخصوصاً دوره قاجار است. از دلایل این اقدام مؤلف می‌توان به نشان‌دادن سیر تدویم برخی امور از عصر صفوی تا دوران معاصر اشاره کرد، اما چون مؤلف از ارائه مطالب تکمیلی برای ارتباط این اطلاعات پرهیز کرده است، گاه باعث آشفتگی در ارائه سامان‌مند و منظم مطالب شده است.

مؤلف در ذیل عنوان «اسناد» به سه دسته اسناد اشاره می‌کند، اما دو کتاب *تذکره الملوک میرزا سمیعا و دستور الملوک میرزا رفیعا* را بدون هیچ‌گونه توضیحی جزو اسناد می‌آورد. در ادامه، نیز فقط به ذکر دو عنوان اسناد، شامل فرمان‌های حکومتی و اسناد سنگ‌نوشته مساجد، بسنده کرده و هیچ‌گونه نمونه‌ای را در این خصوص معرفی نمی‌کند.

بخش «آثار تاریخ‌نگاری» با معرفی «تواریخ عمومی» آغاز می‌شود. معرفی آثاری هم‌چون *عالم‌آرای عباسی* و ذیل آن، یا *رستم‌التواریخ* یا *احسن‌التواریخ* به‌منزله تاریخ عمومی با معیارها و تعاریف صورت‌گرفته از تواریخ عمومی هم‌خوانی ندارد.^{۶۴} درخور توجه این‌که نگارنده به معرفی بسیار کوتاه از همین چند منبع مورد اشاره بسنده می‌کند و از بسیاری از منابع دیگر که خود در ادامه از آن‌ها بهره‌ی بیش‌تری گرفته چشم‌پوشی می‌کند.

از دیگر موارد پرسش‌برانگیز در این بخش، درج *رستم‌التواریخ*، نوشته محمد هاشم آصف ملقب به *رستم‌الحکما*، در زمره منابع تواریخ عمومی دوران صفوی است. محمد هاشم آصف تاریخ خود را از دوران شاه‌سلطان حسین آغاز کرده است، اما اثر در روزگار فتح‌علی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) به نگارش درآمده و بیش از آن‌که مسئله اصلی و دغدغه نگارنده عصر صفوی باشد، دوران پس از صفوی و روزگار خاندان زند و به قدرت رسیدن قاجارها مورد نظر بوده است.

از منابع مهمی که به نظر می‌رسد با توجه به شرایط محل نگارش اثر، یعنی انگلستان، امکان استفاده از آن‌ها فراهم بود، *دستور شهریاران*، نوشته محمد ابراهیم نصیری، مجلس‌نویس معاصر سلطان حسین (ز ۱۰۵۰ ق) است. تنها نسخه خطی شناخته‌شده از این اثر در کتابخانه موزه بریتانیا محفوظ است (ثواب ۱۳۸۰: ۸۷-۸۹). اما مشخص نیست به چه دلیل نگارنده از آن بهره نبرده است. هم‌چنین است: *افضل‌التواریخ*، نوشته فضل‌ی اصفهانی که از حوادث مربوط به دوران سلطنت شاه‌طهماسب اول سخن می‌گوید و

براساس دست‌نوشته‌های دولتی است و می‌توانست برای موضوع اصناف و پیشه‌وران مفید باشد. *روضه‌الصفویه*، نوشته میرزا بیگ بن حسن حسینی گنابادی که به‌ویژه درباره شیوه زندگی مردم، میدان‌های رزم و بزم، سنن و آداب و رسوم آن روزگار از اهمیت برخوردار است و نسخه خطی این اثر در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (ثواقب ۱۳۸۰: ۶۳-۶۵). ازسویی، از تقاوة الآثار محمود بن هدایت‌الله افوشته‌ای نطنزی نیز استفاده شده است.

آنچه می‌توان از بررسی منابع و پژوهش‌های مورداستناد در این کتاب استنباط کرد استفاده نویسنده از غالب منابع و پژوهش‌های در دسترس در حد مقدمات در انگلستان و کتابخانه‌های دانشگاهی این کشور بوده است (کیوانی ۱۳۹۲: ۸). حتی به‌نظر می‌رسد که کیوانی طی دوران نگارش رساله‌اش ارتباط چندانی با جامعه علمی داخل کشور نداشته و از آثار چاپ‌شده، از قبیل مقالات منتشرشده در آن بازه زمانی در ایران، چندان بهره نبرده است.

در ادامه، کیوانی به‌اختصار تواریخ و جغرافیای محلی را به‌منزله دسته‌ای دیگر از منابع محل استناد معرفی می‌کند. نگاه نقادانه و اشاره به جایگاه و میزان اهمیت هریک از منابع در حوزه موضوع کتاب از نقاط خلاً این بخش است. وی در فصل «پیشینه اصناف» بیش‌تر به تحقیقات جدید ارجاع داده است؛ از جمله *تاریخ اجتماعی ایران* نوشته مرتضی راوندی و *تاریخ ایران* نوشته پطروشفسکی، که ضعف کار به‌شمار می‌رود. در مبحث طبقات اصناف توضیح دقیقی ارائه نمی‌کند و فقط به‌گفته تاورنیه استناد می‌کند. نگارنده می‌توانست با مراجعه به متون ادبی، داستان‌های عامیانه، اشعار قدیمی، متون صوفیه، فتوت‌نامه، و سندهای مالی و اسناد مالیاتی پراکنده درباره تشکیلات بازار و پیشه‌وران مطالب بهتری را در کتاب درج کند.

۶،۲،۶ دقت در ارجاعات و استنادات

از ویژگی‌های مهم این کتاب ارتباط بین تحلیل‌های ارائه‌شده به‌وسیله نگارنده و منابع مورداستفاده است. در بسیاری از موارد نگارنده، نظریات و آرای تحلیلی خود را، با اشاره به منابع دست‌اول و دست‌دوم و گاه پژوهش‌های متأخر متعدد، مستند می‌سازد، اما در برخی موارد، بین این منابع متقدم و متأخر تفاوتی قائل نمی‌شود و از همه آن‌ها در ارجاع نام می‌برد. در صورتی که شایسته بود در پی نوشت به‌گونه‌ای به تفاوت زمانی هریک از این منابع، که گاه یکی به دوران میانه عصر صفوی تعلق دارد و دیگری به اواخر عصر صفوی و سومی به دوره قاجار اشاره می‌شد (کیوانی ۱۳۹۲: ۱۰۰)، ارجاع ش (۸۱). هم‌چنین، در

موضوع بررسی وضعیت اصناف، برای نمونه وضعیت اصناف اصفهان به کل شهرها تسری داده شده است (کیوانی ۱۳۹۲: ۶۵) یا تحولات دوران شاه‌عباس اول به‌نوعی برای تمام دوران صفویه تلقی شده است (همان: ۷۴) یا در نقل قول‌های علمی نظر فلور دربارهٔ دوران قاجار به‌راحتی به عصر صفویه نیز تسری پیدا می‌کند (همان: ۱۰۷، ۱۵۳).

نکتهٔ دیگر تفاوت نداشتن نقل قول مستقیم از یک منبع یا مآخذ و برداشت و دریافت نگارنده از منبع یا مآخذ است. هرچند خوانندهٔ آگاه می‌تواند بنابه شواهد و قراین در متن کتاب و براساس دانش خود دربارهٔ منابع و مآخذ آن ادوار دریابد که مطلب مطرح‌شده نظر مؤلف است. از جمله بخش‌هایی که این التقاط گمراه‌کننده در آن دیده می‌شود فصل دوم از بخش اول کتاب است که در بسیاری از ارجاعات آن مشخص نشده است که برداشت کیوانی از آرای صاحب‌نظران ارائه شده یا نقل مستقیم خود این آراست (همان: ۳۷-۴۸).

نبود نگاه نقادانه به منابع و مهم‌تر از آن مآخذ پژوهش است که باعث شده تا کیوانی در برخی موارد آنچه فقط موافق با نظر خود می‌یابد، آن‌هم بدون اشاره به زاویهٔ دید نگارندگان و سوگیری‌های احتمالی، فقط آن‌ها را نقل کند. برای نمونه، نظر نیرومند رحیمی دربارهٔ دلیل پیدایش منصب محتسب (همان: ۷۸) به مذاقهٔ بسیار نیاز دارد یا نقلی از آزیورن که «حکومت صفوی در سال ۹۲۰ ق تبریز را به عثمانی واگذار کرد» (همان: ۱۵۵) که براساس شواهد تاریخی درست نیست و لشکر عثمانی دو هفته بعد از نبرد چالدران به تخلیهٔ تبریز مجبور شد یا در نمونه‌ای دیگر، مطلبی از یک کتاب نقل شده، درحالی‌که در متن اصلی چنین مطلبی دیده نمی‌شود: نقل ذبیح‌الله صفا دربارهٔ فرقه‌های شیعیان نعمتی و حیدری در دورهٔ صفویه (همان: ۳۹).

معمولاً، پژوهش‌گران در بخش جمع‌بندی به موضوعاتی مانند پرسش بنیادین، مبانی نظری، مدعای اصلی، و نتیجهٔ پژوهش، که معمولاً حاوی یافته‌های جدید در آن حوزه است، اهتمام می‌ورزند (حضرتی ۱۳۹۱: ۱۷۴؛ بلک و مک رایلند ۱۳۹۰: ۲۵۵-۲۵۶)، اما جمع‌بندی‌ای که کیوانی در انتهای اثر خود آورده است به‌دلیل مشخص نبودن موارد مورد اشاره دچار ابهام است. با خواندن جمع‌بندی، هدف و پیشرفت علمی این پژوهش آشکار نمی‌شود. از دیگر نکات پرسش‌برانگیز، جمع‌بندی کتاب و پرداختن به وضعیت اصناف در دوران پس از صفویه تا انقلاب اسلامی، آن‌هم به‌صورت کلی، است؛ مطلبی مهم که خارج از حیطهٔ موضوع پژوهش بوده است و فهمی بیش‌تر از موضوع برای خواننده مهیا نمی‌کند، هرچند می‌تواند برای آگاهی از چرایی انجام این پژوهش مفید باشد که در جای خود اشاره خواهد شد.

۷,۲,۶ سوگیری در متن

از ویژگی‌های این اثر بهره‌گیری خاص نگارنده از مجموعه اطلاعات و داده‌های پسین تحقیق و تسری دادن آن‌ها برای تحلیل شرایط پیشین و زمان تحقیق است. به این معنا که کیوانی بدون اشاره دقیق یا حتی ضمنی و بدون هرگونه تحلیلی به‌راحتی برخی تحولات مربوط به ادوار بعد از صفویه، به‌ویژه عصر قاجار و حتی دوران پهلوی، را برای دوران صفوی مثال می‌زند. این تسری دادن ادوار مختلف هرچند در انواعی از نوشتارهای تاریخی رایج است،^{۶۵} اما قواعد خاص خود را دارد و باید شرایط خاصی برای آن لحاظ کرد که در این پژوهش چنین نیست. برای نمونه، «نسبت پیشه‌وران و تجار یهودی و مسیحی در مقایسه با کل جمعیت شهرهای عمده تا اندازه زیادی چشم‌گیر بوده است». کیوانی این موضوع را به‌نقل از لمبتون ارجاع می‌دهد که نقل‌قولی مربوط به سال ۱۳۱۶ ش بوده است.

ازسویی، به‌دلیل استفاده فراوان از تحقیقات جدید، عمدتاً اروپای غربی، در این اثر و کم‌توجهی به برخی منابع دست‌اول و پژوهش‌های مرتبط در نقاط دیگر جهان و به‌ویژه همسایگان ایران، متأسفانه این کتاب از نگاهی منصفانه و همه‌جانبه‌نگر عاری شده است. در بخش هشتم، که به بررسی روابط تجار و اصناف اختصاص دارد، تقریباً تمام اشارات در زمینه تجارت خارجی ایران مربوط به تجارت جنوب و کرانه‌های خلیج فارس با کمپانی‌های انگلیسی و هلندی مستقر در این مناطق است. در صورتی که منابع بسیاری در آن دوران از تجارت گسترده ایران از مسیر شمال خبر داده‌اند و بندر «آستراخان» روسیه را یکی از باراندازهای اصلی تجاری ایران دانسته‌اند. هم‌چنین، می‌دانیم که باوجود تیرگی روابط دو قدرت مسلمان صفوی و عثمانی، حجم دادوستد باوجود کاهش هم‌چنان رقم کلانی از تجارت ایران و عثمانی، به‌خصوص پس از دوران شاه‌صفی و برقراری صلح میان دو دولت، را تشکیل می‌داد. بی‌شک، گسترش حجم تجاری در بخش‌های شمالی و غربی ایران در اقتصاد و حجم کاری اصناف در مرکز و مناطق مرزی تأثیرات فراوانی داشته است، اما نویسنده هیچ اشاره‌ای به این موضوع نمی‌کند. اگر نویسنده در فرایند پژوهش خود از منابع غیرغربی بیش‌تری استفاده می‌کرد، می‌توانست بخش‌های بیش‌تری از زوایای زندگی اصناف ایران عهد صفوی را آشکار و بررسی کند.

از بحث‌های موردتوجه در این بخش نگاهی است که به نقش دولت در زندگی و کارکرد اصناف شده است. به‌نظر می‌رسد که نویسنده بیش از حد بر نقش مخرب دولت در رکود و توسعه‌نیافتن اصناف ایرانی تأکید می‌کند. «عدم شکل‌گیری یک طبقه سرمایه‌دار

بازرگان و بالاتر از همه رکود صنایع پیشه‌وری ایرانی، در نتیجه خوی چپاول‌گر و ستم‌کار حکومت صفوی بود» (کیوانی ۱۳۹۲: ۱۶۲). در کتاب، بارها نویسنده به رویکردهای امنیتی و منفعت‌طلبانه دولت صفوی انتقاد کرده است، اما در هیچ‌جای اثر به وضعیت دولت صفوی و پتانسیل‌های آن دولت اشاره‌ای هرچند کوتاه نمی‌کند. در عوض، علت اصلی رکود و توسعه‌نیافتگی اصناف در این دوران را فقط برعهده حکومت می‌گذارد. توجه‌نکردن به رابطه دوطرفه اصناف و پیشه‌وران در عصر صفوی با حکومت و نظام حاکمیتی آن عصر در مطالب نویسنده پیداست. دیدگاه غالب کیوانی در این اثر بهره‌گیری یک‌سویه حکومت صفوی از اصناف (بهره‌گیری بدون توجه به منافع این قشر از جامعه) و کم‌توجهی در ذکر خدمات یا امکاناتی است که حکومت برای فعالیت اصناف فراهم می‌آورد. هم‌چنین، در مواردی از فعالیت اصناف در قبال خواسته‌های حکومت یاد می‌کند و به‌نوعی این موارد را طرح می‌کند که گویی همه اصناف به یک گونه و به‌منزله مجموعه‌ای یک‌پارچه عمل می‌کردند. دوم این‌که گویی اصناف کاملاً منفعلانه بدون در نظر داشتن منافع شخصی یا گروهی فقط بازیچه حکومت بودند و هیچ‌گونه مدیریتی یا فعالیت ویژه‌ای در اجرای خواسته‌های حکومت از سوی خود نداشتند. شاید بتوان این موضوع را به کاستی منابع و داده‌های اطلاعاتی از اصناف نسبت داد (همان: ۷۴-۷۵)، اما به‌نظر نمی‌رسد که این تنها دلیل باشد.

از دیگر کاستی‌ها تحلیل خاص نویسنده باید به مورد «کارکرد و نتایج حضور ارامنه در اقتصاد ایران» اشاره کرد. ایشان به‌دلیل تفاوت مذهب و زبان و تاحد اندکی فرهنگ ارامنه و اقوام داخل مرزهای ایران، حضور و توجه به این گروه را از عوامل توسعه‌نیافتگی و رکود اصناف ایرانی می‌داند (همان: ۲۱۹، ۲۴۲-۲۴۳) و از کارکرد و سهم قابل توجه ارامنه در گسترش تبادلات اقتصادی ایران عصر صفوی چشم‌پوشی می‌کند. هم‌چنین، توجه اندک نویسنده به نقش نهادهای دینی و مسائل مذهبی و کارکرد آن، با این‌که عصر صفوی یکی از دوره‌های مذهبی‌ای است که کارکرد دینی و مذهبی و نقش آن در اصناف از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است، از دیگر موارد نیازمند به توجه در این اثر است.

نویسنده در بعضی فصول کتاب نشان می‌دهد که اصناف ایرانی در دوره صفویه از موقعیت و توان کافی برای دفاع از حقوق اعضا در برابر حکومت مطلقه برخوردار است و در بعضی از دیگر فصول این موضوع را کاملاً نفی می‌کند. هم‌چنین، در فصل اول از بخش چهارم به توضیحاتی درباره انواع مالیات اصناف می‌پردازد و به‌ویژه درباره مالیاتی با عنوان «بنیچه» تاحد امکان براساس اسناد و مدارک موجود مطالب خوبی ارائه می‌کند، اما درباره سایر انواع مالیات‌ها و چگونگی اخذ و جایگاه آن‌ها متأسفانه اطلاعات گاه ضد و نقیض و

هم‌چنین، ناهم‌زمان با عصر صفوی ارائه می‌کند و بدون نتیجه‌گیری خاصی فصل را به‌پایان می‌برد. در همین فصل، برخی نکاتی مطرح می‌شود که با سایر مطالب بخش‌های پیشین در تناقض است. برای نمونه، مقایسه کنید اطلاعات مربوط به مالیات اصناف کم‌ارزش در این فصل را با اطلاعات فصل دوم از بخش دوم (همان: ۱۱۱-۱۱۴، ۶۳-۶۵).

۷. نتیجه‌گیری

کتاب پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی اثری شایان توجه است و می‌توان این مدعا را درباره آن طرح کرد که اگر در زمان تألیف و انتشار مورد توجه و اقبال جامعه علمی ایران قرار می‌گرفت، در تسریع پدیدآمدن رویکردهای جدید در حوزه دانش تاریخ و از جمله تاریخ اجتماعی ایران مؤثر بود. این کتاب، که حاصل رساله مؤلف است، باصراحت از نظریه‌ای خاص به‌مثابه الگو نام نبرده است، اما آرای برخی از پژوهش‌گران پیش‌رو در غرب در زمینه تاریخ و تحولات شهری و بررسی عملکرد و جایگاه اقشار و طبقات اجتماعی را مدنظر قرار داده است و از همین روی به‌گونه‌ای در ارائه برخی آرای خود نگاهی فراتاریخی به عصر صفوی را نمایان می‌سازد و براساس انتظاری فراتر از شرایط تاریخی آن روزگار ایران به بررسی و واکاوی برهم‌کنش حکومت و اصناف و پیشه‌وران می‌پردازد و بیش از آن‌که به سویه‌های مثبت و مؤثر این ارتباط توجه کند، جنبه‌های مخرب تأثیر و نقش دولت در کارکرد اصناف را بازمی‌نمایاند. کتاب مهدی کیوانی دقیقاً براساس مقتضیات و شرایط زمانی مؤلف با پرسشی که در انتهای کار مشخص می‌کند، به‌صورتی روش‌مند به نگارش درآمده و باوجود گذشت بیش از سه دهه از زمان تألیف، هم‌چنان حاوی نکات ارزش‌مندی برای پژوهش‌گران مطالعات صفوی و حوزه تاریخ اجتماعی ایران است.

پی‌نوشت‌ها

۱. این طرح در کلاس درس تاریخ اجتماعی مقطع دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با هدایت و راه‌نمایی دکتر شهرام یوسفی‌فر آغاز شد و بیش از یک‌سال نیز ادامه داشت. خروجی کنونی، با توجه به محدودیت فضای ممکن، دربردارنده بخشی از آرا و نظرها بوده و فاقد پیش‌نهادهای بررسی‌کنندگان کتاب است. از ویژگی‌های مهم این نوشتار همکاری و هم‌راهی اعضا در تدوین مطالب همه‌بخش‌هاست و از این‌رو سهم همه اسامی درج‌شده برابر است.

بررسی و نقد کتاب پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی: ... ۳۱۷

۲. البته، این اقدام برای خوانندگان فارسی شاید چندان مهم به نظر نرسد، اما مترجم با استفاده از نسخه‌ای خطی محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، متن اصلی را بدون تغییر ایبات در این بخش قرار داده است.

۳. در این باره، بنگرید به کیوانی ۱۳۹۲: iii-iv.

۴. پژوهش زیر با این که در متن کتاب و ارجاعات چندین بار آمده، در فهرست منابع و مآخذ نیست:

Goitein, Solomon Dobfritz (۱۹۸۶), *Studies in Islamic History and Institutions*, Leiden: E. J. Brill

۵. این موضوع به ترجمه اثر بازمی‌گردد و در نسخه اصلی کتاب نیز چنین است.

۶. در این دوران، شاگرد استادانی چون عباس زریاب خویی و نصرالله فلسفی بود.

۷. برگرفته از زندگی‌نامه کوتاه خودنوشت مهدی کیوانی «کوتاه یادنامه‌اش» نگاشته بهمن ۱۳۹۲ و منتشر شده در اینترنت. هم‌چنین بنگرید به فرخی، یزدان (۱۳۸۸)، «پیشه‌وران و حیات صنفی در اواخر عهد صفوی»، *مجله ماه تاریخ و جغرافیا*، ۷۶-۷۹.

۸ *Artisans and Guild Life in the Later Safavid Period: Contributions to the Social-Economic History of Persia* (۱۹۸۲), Berlin: Klaus Schwarz Verlag.

۹. کیوانی، مهدی (۱۳۸۵)، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۹، ذیل مدخل «اصناف»، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

۱۰. کیوانی، مهدی (۱۳۷۹)، «موانع رشد سرمایه‌داری و حیات مادی در ایران سال‌های ۹۹۶ تا ۱۱۳۵ ق»، *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی*، ش ۱، ۲.

۱۱. کیوانی، مهدی (۱۳۸۳)، «هجوم بورژوازی تجاری غرب به ایران و انقراض صفویه»، در: *مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره تاریخ ایران زمین*، به اهتمام مقصودعلی صادقی، تبریز: ستوده.

۱۲. مدخل‌های «اسماعیل اول صفوی»؛ «بادیة الشام»، «بلگراد و بنگازی»، «بهرام‌شاه» در *دائرةالمعارف اسلامی*. دیگر مقالات: «احمدشاه درانی»، «سلطنت سلطان حسین صفوی و زرادخانه»، «در پیرامون کشورداری و وظایف درگاه و دیوان در عهد سلاطین ترک‌تبار»، «تجددگرایی فرهنگی در جهان سوم و مبانی فرهنگ غرب».

۱۳. مرور کارنامه کاری مترجم در این مجال ممکن نیست، اما نگاهی به فعالیت‌های ایشان نشان از تداوم کارهایشان در زمینه اصناف و پیشه‌وران هم‌زمان با ترجمه اثر و بعد از آن دارد.

۱۴. این لغت، که باید به صورت Guild نوشته شود، نخستین بار در این نوشتار ریشه‌یابی شده است:

Introduction on the History of Guilds by BRENTANO, *Early English Text Society*, vol. xl, London, ۱۸۷۰.

۱۵. برای آگاهی اجمالی از روند این توجه از اقتصاددان فیزیوکرات که پیشه‌وران و به تبع اصناف را مولدهای درجه دوم در مقایسه با کشاورزان به حساب می‌آوردند تا نظریات آدام اسمیت و بعد ژان بابتیست سی، که به تدریج به پیشه‌وران و صنعت‌گران به منزله نیروهای مولد اصلی توجه کردند، و هم‌چنین آرای مکتب اقتصادی انتقادی درباره اصناف، بنگرید به ژید ۱۳۸۰: ج ۱، فصل اول و فصل دوم.

۱۶. ژید ۱۳۸۰: فصل سوم.

۱۷. برای نمونه، تامین ۱۳۷۳: فصل اول، در «مروری بر نظریه‌های قشربندی اجتماعی» بیش‌ترین حجم را به توضیح آرای آن‌ها داده است.

۱۸. برای نمونه، بنگرید به میتروپولسکی و همکاران ۱۳۸۲: ۱۶۵-۱۸۲ و به بعد.

۱۹. برای اطلاع از برخی آثار شاخص که در حوزه مطالعات شهری پیش از ویر و هم‌زمان با او نگاشته شدند، بنگرید به پیش‌گفتار دون مارتیندال بر کتاب شهر در گذر زمان با کتاب‌شناسی ویر، ماکس (۱۳۷۳)، شهر در گذر زمان، ترجمه منصوره کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۶۲-۲۳.

۲۰. او به این موضوع در چهارچوب سیاست اقتصاد شهری توجه دارد (در این باره، بنگرید به ویر ۱۳۷۳: ۷۶ به بعد).

۲۱. *The Catholic Encyclopedia*; Guilds in: <http://www.newadvent.org>.

۲۲. در این باره، بنگرید به رنالی و همکاران ۱۳۸۸: فصل دوم «اصناف در اروپا». از پژوهش‌های تقریباً جدید که به اصناف در ارتباط با نظام شهر و شهرنشینی در امپراتوری عثمانی حداقل قرن سیزدهم تا شانزدهم میلادی توجه کرده است: اینالچق ۱۳۹۴: فصل ۱۵.

۲۳. احمد اشرف در مقاله‌ای ارزش‌مند به اختصار و تقریباً کامل مهم‌ترین نظریات اندیشمندان غیرایرانی درباره پیدایش اصناف در جهان اسلام و در ایران را گردآوری کرده است (اشرف ۱۳۵۳: ۳۳-۳۸). البته، در نوشتار حاضر تلاش شده است تا به پژوهش‌های بعد از آن هم اشاره شود. از جمله اشکال‌های وارد بر این نوشتار اشرف، که کم‌تر به آن پرداخته شده، کم‌توجهی او به تفاوت منشأ و پیدایش اصناف در کشورهای اروپایی است. او در این نوشتار از «گیلدهای غربی» نام می‌برد، بدون این‌که دقیقاً مشخص کند که کدام کشورها را مدنظر دارد، هرچند شاید بتوان با این استدلال که مقاله او درباره ویژگی‌های شهرنشینی در ایران دوره اسلامی بوده است، این نقص را توجیه کرد.

۲۴. بنگرید به ممفورد ۱۳۸۱: در بخش نهم، ضمن اشاره به سیر پیدایش نظام اصناف در اروپای قرون وسطی به نقش ساختارهای مذهبی و ریشه‌های اخوت و برادری در پیدایش این نهاد در اروپا پرداخته است.

۲۵. البته فلور به‌درستی H. Thorming را پیش‌گام این برداشت نادرست می‌داند که اثر خود را در سال ۱۹۱۳ منتشر کرد.
۲۶. در ویراست بعدی این دانش‌نامه، مدخل صنف به‌وسیله دیگر پژوهش‌گران جای‌گزین شد. موضوعی که نمایان‌گر رویکردهای جدید در این نوع پژوهش‌هاست. البته ماسینیون در مدخل «اصناف اسلامی» در دانش‌نامه علوم اجتماعی به همین موضوع با اصلاحات و اضافاتی پرداخته است (در این باره، بنگرید به ماسینیون ۱۳۸۸: ۷۰۲-۷۰۷). البته می‌توان به مخالفان این نظر ماسینیون هم‌چون عبدالستار عثمان و احمد اشرف اشاره کرد.
۲۷. هم‌چنین بنگرید به ترجمه و تلخیص این نوشتار با عنوان «فتوت به‌مثابه ساختار اجتماعی»، ترجمه علیرضا رضایت ۱۳۸۹: ۲۶-۲۸. برای آگاهی از دیدگاه کلان‌کائن، بنگرید به «قبایل، شهرها، و سازمان‌بندی اجتماعی»، در: تاریخ ایران کمبریج، ج ۴: از ظهور اسلام تا آمدن سلجوقیان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰، ۲۶۳-۲۸۱.
۲۸. برایان ترنر در مقدمه کتاب خود توضیح می‌دهد که چگونه مطالعات وبر درباره اسلام هیچ‌گاه هم‌چون مطالعات عمیق او درباره مسیحیت و یهودیت کامل نشد (ترنر ۱۳۷۹).
۲۹. برنارد لوئیس از پژوهش‌گرانی است که به این نظریات توجه دارد، اما اساس طرح خود را بر آن قرار نمی‌دهد.
۳۰. در این زمینه، معمولاً نام پیگولوسکایا و کتابش، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، در صدر قرار دارد، در حالی که خود وی فضل‌تقدم و نخستین اشاره‌ها در این زمینه را با ارجاعاتش به آتور کریستن سن، نویسنده ایران در زمان ساسانیان، و لایور و تریور اشاره دارد که نخستین بار توجه او را به سندی نسطوری جلب کردند.
۳۱. پیش از این به برخی کارهای او اشاره شد، هم‌چنین بنگرید به سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۳؛ دولت و حکومت در اسلام؛ سیری در نظریه سیاسی فقهای مسلمان از صدر اسلام تا اواخر سیزدهم؛ ترجمه و تحقیق سیدعباس صالحی و محمدمهدی فقیهی، تهران: عروج، ۱۳۷۴.
۳۲. از جمله آثار او با موضوع اصناف ارتباط مستقیمی دارد: «اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان»، در: تاریخ ایران کمبریج، ج ۵: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ۴۵۵-۵۰۷.
۳۳. آثار او یکی از نمونه‌های شاخص برای پژوهش‌های دارای رویکرد چپ برخاسته از دیدگاه تاریخ‌نگاری مارکسیستی به تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران و مرتبط با اصناف است؛ اوضاع سیاسی و اقتصادی - اجتماعی ایران در پایان سده هجدهم تا نیمه نخست سده نوزدهم میلادی، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: نشر بین‌الملل، ۱۳۵۸؛ هم‌چنین بنگرید به «سازمان

- اصناف، اوایل قرن نوزدهم میلادی، *تاریخ اقتصادی ایران*، به کوشش چارلز عیسوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره، ۱۳۶۲.
۳۴. او را می‌توان پیرو آرای ماسینیون و ارتباط گسترده اصناف و متصوفه به حساب آورد که به‌طور خاص به این موضوع در ایران اشاره می‌کند؛ بنگرید به آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
۳۵. فلور علاوه بر مداخلی که برای اصناف در *دانش‌نامه اسلام و دانش‌نامه ایرانیکا* نوشته، در آثار دیگرش از جمله در جلد دوم کتاب *تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، به این موضوع توجه دارد. برای اطلاع از مجموعه کارهای او بنگرید به:
- Mathee, Rudi, Willem Floor, and Patrick Clawson (۲۰۱۳), *The Monetary History of Iran: from the Safavids to the Qajars*; New York: I. B. Tauris.
- فلور، ویلم (۱۳۹۳)، *تاریخچه مالی - مالیاتی از صفویه تا پایان قاجاریه ۱۳۴۴-۹۰۶ ق/ ۱۹۲۵-۱۵۰۰ م*، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: تاریخ ایران.
۳۶. برای نمونه، بنگرید به اشرف ۱۳۵۳: ۳۶؛ ۲۱-۳۰: ۱۹۷۳ Lapidus.
۳۷. برای آگاهی بیشتر درباره اصناف در کشورهای اسلامی، بنگرید به کیوانی ۱۳۸۵: ذیل مدخل «اصناف».
۳۸. شاید بتوان در بین پژوهش‌گران ایرانی او را با سابقه‌ترین دانست. از مهم‌ترین آثار وی عبارت است از اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه*، تهران: زمینه؛ اشرف، احمد (۱۳۴۷)، «نظام صنفی و جامعه مدنی»، *ایران‌نامه*، ش ۵۳، ۵-۴۰؛ اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۸۷)، *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
۳۹. رساله دکتری خود را با عنوان *تشکیلات اصناف عثمانی و صفویان در سده ۱۰-۱۱ ق* دفاع کرده است. از مقاله‌های وی است: «اصناف و پیشه‌وران در تاریخ ایران»، *کیهان اندیشه*، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۶، ش ۱۱، ۷۰-۸۸؛ «اصناف و پیشه‌وران در تاریخ ایران»؛ «مآخذشناسی اصناف»؛ «وضعیت اصناف»؛ در دیگر شماره‌های *کیهان اندیشه*.
۴۰. سیف در آثارش به‌صورت پراکنده و نه‌چندان منسجم به موضوع اصناف در اقتصاد ایران پرداخته است و از آثار اوست: سیف، احمد (۱۳۷۰)، *استبداد، مسئله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران*، تهران: رسانه؛ سیف، احمد (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشمه؛ سیف، احمد (۱۳۸۷)، *قرن گمشده: اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم*، تهران: نشر نی.
۴۱. *ایران پیش از سرمایه‌داری؛ تاریخ نظری*، ترجمه حسن شمس‌آوری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۴۲. *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، تهران: نشر آبی، ۱۳۶۵. سلطانزاده در جای‌جای این اثر به فراخور موضوع به اصناف و نقش آن‌ها در نظام شهری پرداخته است.

۴۳. از شار تا شهر؛ تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸. حبیبی، به تأثیر از دیدگاه ماکس وبر، بر این موضوع تأکید دارد که ساختار سیاسی و فشارهای حکومتی در ادوار تاریخ ایران مانع از شکل‌گیری اصناف به‌شیوه کشورهای اروپای غربی شده است.

۴۴. شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلیخانان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸.

۴۵. یوسفی فر، شهرام (۱۳۹۰)، شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ یوسفی فر، شهرام (۱۳۸۹)، سرگذشت بازار بزرگ تهران، بازارها و بازارچه‌های پیرامونی آن در دو بیست سال اخیر، تهران: بنیاد ایران‌شناسی.

۴۶. نعمانی، فرهاد (۱۳۵۸)، تکامل فتودالیسم در ایران، تهران: خوارزمی؛ نعمانی، فرهاد و سهراب بهداد (۱۳۸۷)، طبقه و کار در ایران، ترجمه محمود متحد، تهران: آگاه.

۴۷. مقدمه‌های بر سیر تفکر در قرون وسطی، تهران: گوتنبرگ، ۱۳۵۴.

۴۸. ایران در پویه تاریخ، تهران: قلم، ۱۳۵۷.

۴۹. چهارده رساله درباره فتوت و اصناف؛ مقدمه و تصحیح و توضیح مهراں افشاری و مهدی مداینی، تهران: چشمه، ۱۳۸۱. باین‌که این اثر در زمره تصحیحات محسوب می‌شود، اما تحت تأثیر رویکرد پیوستگی اصناف و مرام‌نامه‌ها و رسائل اهل فتوت است.

۵۰. Banani, Amin (۱۹۷۸), "State and Society in Iran; Iranian Studies", *Journal of the Society for Iranian Studies*, vol. XI.

بنانی، امین (۱۳۷۷)، «تأملاتی درباره ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران در اوج دوره صفوی»، ترجمه محمدعلی رنجبر، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*؛ ش ۱۳۵-۱۳۶، ۴۴-۵۵.

۵۱. Navidi, Daryoush (۱۹۸۰), *Socio-Economic and Political Changes in Safavid Iran 17th and 18th Centuries*.

نویدی، داریوش (۱۳۸۶)، *تغییرات اجتماعی-اقتصادی در ایران عصر صفوی؛ قرن شانزدهم و هفدهم میلادی*، ترجمه هاشم آغاچری، تهران: نشر نی.

۵۲. Savory, Roger (۱۹۸۳), *The American Historical Review*, vol. ۸۸, no. ۵., ۱۳۰۲-۱۳۰۳.

۵۳. Shaygan, Hassan (۱۹۸۶, spring), *Iranian Studies*, vol. ۱۹, no. ۲, ۱۹۷-۱۹۸.

۵۴. Morgan, D. O. (۱۹۸۴), *Bulltin of the School of Oriental & African studies*, University of London, vol. ۴۷, no. ۲, ۴۱۴.

۵۵. Richard, Yan. (۱۹۸۵), *Journal of the Economic & Social History of the Orient*, vol. ۲۸, no. ۱, ۱۱۵-۱۱۶.

۵۶. Ricks, Thomas M. (۱۹۸۶, Feb.), *International Journal of Middle East Studies*, vol. ۱۸, ۹۵-۹۹.

۵۷. برای پیدایش نظام دولت ملت Nation-State در پس پیمان وستفالی، بنگرید به وینسنت، اندرو (۱۳۷۶)، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشریه، تهران: نی.

۵۸. یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌های نظری در حوزه اقتصاد در جهان: *ثروت ملل* آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰ م) است در این کتاب با صراحت به اصناف و نظام آن‌ها می‌تازد و ذکر می‌کند که چگونه اصناف با هم‌دستی با حکومت‌ها به نظام اقتصادی روبه‌رشد ضربه وارد می‌کنند، بنگرید به:

Smith, Adam; *The Wealth of Nations; with an Introduction by Andrew Skinner*; Harmondsworth: Penguin Books, ۱۹۷۴; Book ۱; Season ۱۰; b.۷۹.

۵۹. برای آگاهی از اضمحلال اصناف در فرانسه در زمان انقلاب کبیر فرانسه و بعد از آن، بنگرید به آثار مایکل فیتزسیمونز:

Fitzsimmons, Michael P. (۱۹۹۶), "The National Assembly and the Abolition of Guilds in France", *The Historical Journal*, vol. ۳۹, no. ۱, ۱۳۳-۱۵۴; Fitzsimmons, Michael P. (۱۷۷۶-۱۸۲۱), *From Artisan to Worker: Guilds, the French State, and the Organization of Labor*, Cambridge University Press, First Edition.

۶۰. باوجود نقدهایی که مؤلف گاه بر این دیدگاه مقایسه‌ای وارد می‌کند، بنگرید به ابتدای فصل دوم دوم با عنوان «فعالیت‌های سیاسی اصناف».

۶۱. برای آگاهی از این نظریات که بر آن بودند حضور دولت به ناکارآمدی اقتصادی دامن می‌زند و برای افزایش کارایی، مناسب است از نقش و دخالت دولت در اقتصاد کاسته شود و غیره، بنگرید به دادگر، یدالله (۱۳۹۲)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۲۷۷ به‌بعد؛ هم‌چنین برای آگاهی بیشتر از این نوع نظریات که تحت عنوان لیبرالیسم اقتصادی و نئولیبرالیسم دسته‌بندی می‌شوند، بنگرید به ساندل، مایکل (۱۳۷۴)، *لیبرالیسم و منتقدان آن*، ترجمه احمد تدین، تهران: علمی و فرهنگی.

۶۲. *Artisans and Guild Life in the Later Safavid Period*.

۶۳. مترجم در مقدمه خود اشاره می‌کند که این عنوان جدید با پیش‌نهاد مؤلف انتخاب شده است (کیوانی ۱۳۹۲: ۱۳).

۶۴. برای اطلاع درباره دسته‌بندی‌ها، بنگرید به آرام، محمدباقر (۱۳۸۶)، *اندیشه تاریخننگاری عصر صفوی*، تهران: امیرکبیر، ۲۳۶-۲۴۴.

۶۵. موضوعی که برخی پژوهش‌گران از آن با عنوان Anachronism یاد می‌کنند.

بررسی و نقد کتاب پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی: ... ۳۲۳

اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «تحقیق در مسائل ایران؛ ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *مطالعات جامعه‌شناختی، دوره قدیم، ش ۴*.

اشرف، احمد (۱۳۷۵)، «نظام صنفی، جامعه مدنی، و دموکراسی در ایران»، *نشریه گفت‌وگو، ش ۱۴*.

اشرف، احمد (۱۳۶۰)، «شهرنشینی از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی»، *نشریه آرش، ش ۲۵*.

اینالجب، خلیل (۱۳۹۴)، *امپراتوری عثمانی عصر متقدم ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰*، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: بصیرت.

بلک، جرمی و دونالد م. مک رایلد (۱۳۹۰)، *مطالعه تاریخ، برگردان محمدتقی ایمان‌پور، مشهد: دانشگاه فردوسی*.

پیگولوسکایا، نینا ویکتورونا (۱۳۷۷)، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.

تامین، ملوین (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی قشریندی و نابریاری‌های اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.

ترنر، برایان (۱۳۷۹)، *ماکس وبر و اسلام، بررسی انتقادی*، ترجمه سعید وصالی، تهران: مرکز.

ثواب، جهانبخش (۱۳۸۰)، *تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ*، شیراز: نوید شیراز.

حضرتی، حسن (۱۳۹۱)، *روش پژوهش در تاریخ‌شناسی؛ با تأکید بر اصول و قواعد رساله‌نویسی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی.

دادگر، یدالله (۱۳۹۲)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران: سمت.

رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۸۹)، «تشکیلات پیشه‌وری در عهد ایلخانان»، *فصل‌نامه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، س ۱، ش ۱*.

رنانی، محسن (۱۳۸۸)، *مقدمه‌ای بر ماهیت، کارکرد، زوال اصناف*، ترجمه اصطلان قودجانی و محمد گوهریان و ناهید مسعودی، اصفهان: مرکز آموزش علمی - کاربردی عتیق.

ژید، شارل (۱۳۸۰)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه کریم سنجابی، تهران: دانشگاه تهران.

ساندل، مایکل (۱۳۷۴)، *لیبرالیسم و منتقدان آن*، ترجمه احمد تدین، تهران: علمی و فرهنگی.

عبدالستار عثمان، محمد (۱۳۷۶)، *مدینه اسلامی*، ترجمه علی چراغی، تهران: امیرکبیر.

فرای، ریچارد (۱۳۹۰)، *بخارا، دستاوردهای قرون وسطی*، ترجمه محمود محمودی، تهران: علمی و فرهنگی.

کائن، کلود (۱۳۸۹)، «فتوت به‌مثابه ساختار اجتماعی»، *ترجمه و تلخیص علیرضا رضایت، اطلاعات حکمت و معرفت؛ ش ۵۴*.

کیوانی، مهدی (۱۳۸۵)، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی؛ زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی*، ج ۹، ذیل مدخل «اصناف»، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

کیوانی، مهدی (۱۳۹۲)، *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی؛ جستارهایی در تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران*، ترجمه یزدان فرخی، تهران: امیرکبیر.

مارکس، کارل (۱۳۸۸)، *سرمایه، نقدی بر اقتصاد سیاسی*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگاه.
ماسینیون، لوئی (۱۳۸۸)، «اصناف اسلامی»، ترجمه یزدان فرخی، *مزدک‌نامه ۲*؛ یادبود دومین سال درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر، خواهان جمشید کیان‌فر و پروین استخری، تهران: جمشید کیان‌فر.
متی، رودلف (۱۳۸۷)، *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی*، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ملائی توانی، علیرضا (۱۳۹۰)، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران: نشر نی.
مفورد، لوئیز (۱۳۸۱)، *جامعه مدنی در گذر تاریخ؛ نخاستگاه‌ها، دگرگونی و دورنماهای آن؛ گفتاری در بیابان‌ها، شکل‌گیری و توسعه جامعه مدنی*، ترجمه احمد عظیمی، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
میتروپولسکی، د. ک.، ی. ا. زوریتسکی، و و. ل. کروف (۱۳۸۲)، *زمینه تکامل اجتماعی*، ترجمه پرویز بابایی، تهران: آزاد مهر.

وبر، ماکس (۱۳۸۴)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران: سمت.

وبر، ماکس (۱۳۷۳)، *شهر در گذر زمان*، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۰)، *جستارهایی در مناسبات شهرنشینی دوره سلجوقیان*؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Cahen, C. (۱۹۷۹), "Futuwwat", in: *The Encyclopaedia of Islam*, E. van Donze (ed.), Leiden: E. J. Brill; vol. ۲.

Lambton, Ann K. S. (۱۹۵۴), *Islamic Society in Persia; an Inaugural Lecture Delivered on ۹ March*, London: School of Oriental and African Studies, University of London.

Lapidus, I. M. (۱۹۷۳), "The Evaluation of Muslim Urban Society", in: *Comparative Studies in Society and History*, no. ۱۵.

Lewis, Bernard (۱۹۳۷), "The Islamic Guilds", *Economic History Review*, no. ۳.

Massignon, Louis (۱۹۳۲), "Guilds Islamic", in: *Encyclopaedia of Social Sciences*, vol. ۷.

Massignon, Louis, "Sinf", in: *Encyclopaedia of Islam*, ۱st ed. Leiden: E. J. Brill, vol. ۸.

The Catholic Encyclopedia, "Guilds": <<http://www.newadvent.org>>.